

## تحلیل جایگاه شیعیان علوی در سوریه با استفاده از مدل راهبردی SWOT

ابوظالب احمدی ارکمی/ دکتری جغرافیای سیاسی / lale\_veleni@yahoo.com  
محمدحسن نامی/ دانشیار دانشگاه علوم و فنون فارابی / DR.MH.NAMI@gmail.com  
تاریخ وصول: ۱۳۹۸/۰۳/۰۲ / تاریخ تصویب نهایی: ۱۳۹۸/۱۲/۰۶

### چکیده

شیعیان علوی، یکی از فرقه‌های منشعب از تشیع با گرایش غالبانه محسوب می‌شوند. علویان امروزه بخشی از بیکر جهان تشیع را تشکیل می‌دهند که بیش‌تر مورخان، ظهور آن‌ها را در قرن سوم هجری می‌دانند. حاصل این تسلسل تاریخی، علویانی هستند که در حال حاضر در کشورهای ترکیه و سوریه استقرار یافته‌اند. مقاله حاضر، با طرح این پرسش که فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی علویان سوریه کدامند، سعی دارد با روش توصیفی - تحلیلی و بهره‌گیری از مدل SWOT به تبیین جایگاه شیعیان علوی در سوریه پردازد و راهبرد مناسب را در جهت ارتقای موقعیت آن‌ها ارائه دهد. تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصل از یافته‌ها، بیان‌گر این واقعیت است که علویان سوریه با برخورداری از جمعیت حداقلی، اتخاذ موضع ضداسرائیلی، عدم برخورداری از پشتوانه قوی اقتصادی و روبه‌رو شدن با اجماع جهانی علیه دولت بشار اسد، می‌توانند با انتخاب راهبرد تدافعی و بهره‌مندی از سیاست‌های سازنده و مسامحه‌گرایی و پیگیری اصلاحات اجتماعی و اقتصادی گسترده و پرهیز از فرقه‌گرایی، در جهت بهبود جایگاه خود در سوریه گام بردارند.

کلیدواژه‌ها: شیعه، سوریه، علویان، راهبرد، مدل SWOT.

## مقدمه

دین از جمله پدیده‌هایی است که در معرض برداشت‌ها و تلقی‌های متعدد و گاه متعارض واقع شده و دچار انشعاب و واگرایی پیروان آن گردیده است. با مطالعه سیر تطور ادیان مختلف و از جمله مسیحیت و اسلام، می‌بینیم که بعد از فاصله گرفتن از دوران پیامبران الهی، پیروان آن‌ها به گروه‌های مختلف تقسیم شده و چه بسا در مقابل هم‌دیگر صف‌آرایی کرده‌اند و این امر، مقدمه تشکیل فرق مختلف مذهبی بوده است. در مورد علل بروز اختلاف میان پیروان ادیان و ایجاد فرق مذهبی، می‌توان به مؤلفه‌هایی مانند جهل و خرافات، تعصب، اغراض شخصی، حب و بغض نسبت به بزرگان دینی و تفاسیر شخصی از آیات و روایات دینی اشاره کرد. شیعه نیز به عنوان یکی از مذاهب بزرگ اسلامی، دچار انشعاب گشته و عالمان دینی، فرق منشعب از شیعه را تا مرز ۷۲ نیز برشمرده‌اند.

علویه یکی از مذاهب و فرق منشعب شده از شیعه با گرایش غالبانه محسوب می‌شود. (اخوان کاظمی و ویسی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷) شیعیان علوی بخشی از پیکر جهان تشیع محسوب می‌شوند که بیشتر تاریخ‌نگاران و علمای علم ملل و نحل، ظهور آن‌ها را به قرن سوم هجری و در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام و یا دوران غیبت صغرا نسبت داده‌اند. گروهی از تاریخ‌نویسان معتقدند که محمد بن نصیر نمیری، فرقه نصیری یا علویان را از زمان امام حسن عسکری علیه السلام بنیان نهاد. در واقع وی با استفاده از بحران عقیدتی دوران غیبت صغرا و ادعای بابیت امام، موفق شد جماعتی را به دور خود جمع کند. پس از وی نیز حسین بن حمدان خصیبی به عنوان دومین مؤسس این فرقه، توانست با تعالیم و تبلیغ گسترده‌ای در مناطق مختلف جهان اسلام و آمیختن آموزه‌های نصیری با تصوف و جلب حمایت دولت حمدانی، پایه‌های نصیری را مستحکم سازد. (بقایی، ۱۳۹۱، ص ۸۳) علویان از جمله فرقه‌های منشعب از شیعه هستند که با عمری به درازای هزار سال، در بخش‌های وسیعی از آسیای غربی و از جمله در کشورهای ترکیه و سوریه پراکنده هستند. شناسایی تاریخی و بررسی درست عقاید پیروان این فرقه، کاری دشوار محسوب می‌شود؛ زیرا عواملی مانند اوضاع محیطی، انزوای اجتماعی علویان در گذشته، اوضاع جغرافیایی محل استقرار

پیروان این فرقه در گذشته، باطنی‌گرایی و پنهان‌کاری پیروان علویه و دشمنی مورخان، روند تحقیق در این زمینه را دشوار ساخته است. (برومند اعلم، ۱۳۸۵، ص ۳۶)

علویان امروزه بخش مهمی از جامعه مذهبی سوریه و مهم‌ترین فرقه شیعی این کشور را تشکیل می‌دهند. پیروان این مذهب در وضعیت فعلی، قدرت سیاسی را در سوریه در دست دارند و نظام‌های حاکم از جمله حافظ اسد، بشار اسد و بسیاری از سردمداران حکومت سوریه و به ویژه سران ارتش و نیروهای امنیتی، علوی‌مذهب هستند. در تحولات جاری سوریه که با دخالت کشورهای خارجی به بحرانی تمام‌عیار مبدل گشت، شیعیان علوی نقشی پررنگ و تأثیرگذار داشتند و آماج شدیدترین تهمت‌ها و مخالفت‌ها قرار گرفتند. گسترش مخالفت‌ها تا اندازه‌ای بود که گروه‌های معارض، علویان را غیرمسلمان دانسته و هدف خود را از تقابل با نظام حاکم علوی‌مذهب، مقابله با نظامی غیردینی و استقرار حکومت اسلامی خوانده بودند. (زمانی محجوب، ۱۳۹۵، ص ۴۰) امروزه بخش اعظمی از علویان در سوریه ساکن هستند و بیش از ۱۲٪ جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. این فرقه به لحاظ مذهبی شیعه هستند اما تفاوت‌هایی در برخی آموزها با شیعیان دوازده امامی دارند و نمودهایی از سایر فرق در بین آن‌ها مشهود است. هرچند علویان روزگار سختی را در این کشور و در گمنامی و فقر گذرانده‌اند، از قرن نوزده و به ویژه بعد از قیمومت فرانسه بر سوریه، پیروان این فرقه در سوریه نقش‌آفرین شده‌اند. مقاله حاضر سعی دارد به تبیین موقعیت شیعیان علوی در کشور سوریه بپردازد و با شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی آنان، راهبرد مناسبی را در این جهت عرضه نماید.

### بیان مسأله

ژئوپلیتیک شیعه، به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه با هارتلند ایران قلمداد می‌گردد. اهمیت ژئوپلیتیک شیعه از آن روست که در ژئوپلیتیک در حال گذار، تأکید بر متغیرهای ثابت و تکیه بر نظریه‌های سنتی آن دیگر راه‌گشا نبوده و توجه به عوامل فرهنگی، مذهبی و ایدئولوژیک، عرصه جدیدی از هم‌نشینی جغرافیا با سیاست و قدرت را به وجود آورده است.

از منظر جغرافیای سیاسی، پیدایش نهضت‌های اسلامی و به ویژه شیعی، به عنوان یکی از عوامل متغیر ژئوپلیتیک، موجب افزایش حساسیت‌ها درباره دیگر عوامل ثابت آن شده است. از این نظر با توجه به مرام و ایدئولوژی خاص شیعیان که نوعی حرکت‌زایی و قیام‌آفرینی را در دل خود دارد و دسترسی آن‌ها به منابع نفتی و استقرار در مناطق حساس جغرافیایی، تأثیرگذاری ژئوپلیتیک آن‌ها را دوچندان کرده است. مجموعه این عوامل را باید در جلوگیری غرب از تعمیق و گسترش جنبش‌های اسلامی و شیعی در کشورهای مختلف خاورمیانه دانست؛ زیرا غرب، اندیشه‌های استکبارستیزی و آزادی‌خواهی جنبش‌های اسلامی و شیعی را تهدیدی برای منافع خود در منطقه قلمداد می‌کند.

شکل جغرافیایی استقرار شیعیان در جهان اسلام و خاورمیانه، بیانگر این واقعیت است که علی‌رغم جمعیت کم طرف‌دار این مذهب در قیاس با کل جمعیت مسلمانان، شیعیان در مناطق حساس ژئوپلیتیک جهان اسلام قرار گرفته‌اند. در این میان، کشور ایران به مثابه کانون جغرافیایی و ژئوپلیتیک شیعیان جهان، هم از لحاظ عینی و هم از منظر معنایی، محوریت اصلی تشیع را تشکیل می‌دهد. نگاهی به اوضاع اقتصادی، سیاسی و جمعیتی شیعیان در خاورمیانه، روشن می‌سازد که به غیر از ایران، در هیچ کشوری قدرت مطلق در دست شیعیان نیست و اغلب آن‌ها در وضعیت نابرابری به سر می‌برند. در بیشتر این مناطق، شیعیان حتی از حق داشتن یک زندگی معمولی محروم شده‌اند و با آن‌ها مانند شهروندان درجه دوم رفتار می‌شود. در بیشتر کشورهای منطقه خاورمیانه، اقلیت غیرشیعی همواره شیعیان را در انزوا قرار داده‌اند. چنین محرومیت‌هایی که بر شیعیان منطقه اعمال می‌گردد، گاهی به اعتراضات سیاسی این اقلیت مذهبی انجامیده است. این اعتراض‌ها که به دنبال بالا رفتن سطح آگاهی اجتماعی افزایش یافته، بخش مهمی از تاریخ منطقه را دست‌خوش مبارزات مردمی برای رسیدن به استقلال، آزادی، حاکمیت اسلامی و مشارکت سیاسی و اقتصادی نموده است.

شیعیان علوی از جمله فرقه‌های مذهبی هستند که علی‌رغم استقرار در مناطق استراتژیک غرب آسیا و به ویژه در دو کشور مهم ترکیه و سوریه، کم‌تر کانون بررسی و

توجه قرار گرفته‌اند. شیعیان علوی در سوریه، فراز و نشیب فراوانی را پشت سر گذاشته و امروزه با وجود برخورداری از موقعیت سیاسی و سهم چشم‌گیر در قدرت، با چالش‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کنند. گرایش علوی خاندان اسد و قرار گرفتن سوریه در محور مقاومت و رابطه نزدیک با ایران، بر موقعیت و سرنوشت علویان سوریه بسیار تأثیرگذار بوده است. علویان سوریه نه تنها در جهان اسلام، بلکه در جهان تشیع نیز ناشناخته مانده‌اند. با وجود این، استمرار حکومت اسد یا تجزیه سوریه، تأثیری بس شگرف بر موقعیت شیعیان علوی سوریه خواهد گذاشت. با توجه به موضوع قرار گرفتن کشور سوریه در بطن تحولات اخیر خاورمیانه و از طرفی ناشناخته ماندن شیعیان علوی و ابهام‌آمیز بودن وضعیت شیعیان علوی در تحولات آینده این کشور، نگارندگان به دنبال تحلیل جایگاه شیعیان علوی سوری و شناسایی فرصت‌ها و تنگناهای پیش رو و تعیین راهبرد مناسب برای آن‌ها هستند.

#### اهداف تحقیق

- معرفی اجمالی شیعیان علوی سوریه
- شناسایی فرصت‌ها و چالش‌های پیش روی شیعیان علوی در سوریه
- ارائه راهبردی مناسب برای تداوم حیات سیاسی علویان در سوریه

#### سؤال تحقیق

- چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی شیعیان علوی در سوریه کدامند؟
- راهبرد مناسب برای تداوم حیات سیاسی شیعیان علوی سوریه کدام است؟

#### فرضیه تحقیق

- به نظر می‌رسد برخورداری از جمعیت حداقلی، بزرگ‌ترین چالش شیعیان علوی در سوریه باشد.
- به نظر می‌رسد قرار گرفتن سوریه در محور مقاومت، فرصتی بزرگ برای شیعیان علوی این کشور فراهم کرده است.

## روش تحقیق

روش تحقیق، توصیفی - تحلیلی است. اطلاعات مورد نیاز از اسناد و مدارک مکتوب (کتاب، مجلات و مقالات تخصصی و...) و هم‌چنین از اطلاعات شبکه جهانی (اینترنت) گردآوری شده است. در ادامه برای تجزیه و تحلیل اطلاعات و ارائه استراتژی و راهبرد مناسب در جهت ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک شیعیان علوی سوریه، از روش راهبردی SWOT بهره گرفته شده است. مدل SWOT یک چارچوب مفهومی برای شناسایی و تحلیل «تهدیدها» (Threats)، «فرصت‌ها» (Opportunities) در محیط خارجی و ارزیابی «ضعف‌ها» (Weaknesses) و «قوت‌های» (Strengths) درونی یک سیستم است. این تکنیک را برای سهولت SWOT نامیده‌اند. برای تعیین راهبرد در قالب مدل SWOT یک ماتریس از عوامل می‌توان ایجاد کرد که به ماتریس SWOT یا ماتریس ارزیابی معروف است. (فاضل‌نیا و هدایتی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۵) در این روش، به ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای محیطی از یک طرف و نقاط ضعف و قوت از سوی دیگر توجه می‌شود. با توجه به مطالعات صورت‌گرفته درباره محیط داخلی و خارجی قلمرو شیعیان علوی سوریه، فهرستی از نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها شناسایی گردید، سپس با توجه به اطلاعات موجود از مبانی نظری و مشورت با اساتید و دانشجویان رشته جغرافیای سیاسی، به هر یک از مؤلفه‌های چهارگانه بین ۱ (کم‌ترین) تا ۶ (بیش‌ترین) وزن داده شد. سپس با توجه به میانگین به دست آمده از وزن‌دهی، برای رفع یا تقلیل نقاط ضعف، تهدیدها و بهبود نقاط قوت و فرصت‌های موجود در زمینه ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک شیعیان علوی سوریه، راهبرد مناسبی ارائه شد.

جدول ۱: ماتریس SWOT و نحوه تعیین راهبرد

نقاط ضعف W	نقاط قوت S	ماتریس SWOT
استراتژی‌ها WO	استراتژی‌ها SO	فرصت‌ها O
استراتژی‌ها WT	استراتژی‌ها ST	تهدیدها T

منبع: (زین‌العابدین و هم‌کاران، ۱۳۹۲، ص ۷)

### اهمیت و ضرورت تحقیق

شیعیان، اقلیتی از مسلمانان را تشکیل می‌دهند که در گذشته، تحت جور و ستم خلفای سنی مذهب اموی و عباسی قرار گرفتند و به دلیل اعتقاد به اصل امامت و موعودگرایی، در مناطق دور از دستگاه خلافت پراکنده شدند. این اقلیت مذهبی، با تکیه بر اصل تقیه و تغییر مکان دادن پی‌درپی، توانسته بقای تاریخی خود را حفظ کند. در اقلیت قرار گرفتن، در خفا به سر بردن، عدم برخورداری از تریبون و سخت‌گیری‌های مخالفان متعصب، سبب شده تا واقعیت و حقیقت مذهب تشیع پنهان بماند و یا به صورت غیرواقعی جلوه یابد. این واقعیت حتی در جهان تشیع نیز مصداق داشته و شیعیان به دلیل عدم ارتباط مؤثر با یک‌دیگر، فرقه‌گرایی و ازهم‌گسختگی سرزمینی، شناخت کافی از هم ندارند. در این جهت، شیعیان علوی را می‌توان نام برد که امروزه در دو کشور ترکیه و سوریه ساکن هستند. این اقلیت مذهبی، در گذشته به دلیل سخت‌گیری و آزار اهل سنت و به ویژه دستگاه خلافت عثمانی، به حاشیه رانده شده و به دلیل اوضاع محیطی، کم‌تر توجه صاحب‌نظران را جلب کرده‌اند. تبیین موقعیت شیعیان علوی در سوریه و ارائه راهبرد مناسب در این زمینه، از اهداف مورد نظر در این مقاله است.

### سوابق ادبیات تحقیق

احمدی ارکمی و هم‌کاران (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای با عنوان «تبیین موقعیت حکومت علویان سوریه پس از وقوع بحران»، ضمن اشاره به ریشه‌های داخلی بحران سوریه و اوضاع پرتنش این کشور، وجود منافع مشترک و گاه متضاد بازی‌گران خارجی را در تعمیق جنگ داخلی و گسترش بحران در سوریه مؤثر می‌دانند. نویسندگان مقاله، بیشتر با تکیه بر مؤلفه‌هایی چون: جمعیت، حاکمیت و شناسایی بین‌المللی، سعی نموده‌اند به مقایسه حکومت علوی مذهب سوریه قبل و بعد از بحران بپردازند و از فرقه علویان در این مقاله شرح زیادی نمی‌دهند. حبیب زمانی محجوب (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «جریان‌شناسی علویان سوریه»، معتقد است که مبانی اعتقادی علویان و اصول و فروع اعتقادی آنان، به فقه شیعه

اثنا عشری بسیار نزدیک بوده و بسیاری از مراجع تقلید و بزرگان شیعه مانند امام موسی صدر، علامه فضل‌الله، مکارم شیرازی، نوری همدانی و موسوی اردبیلی، این گروه را جزء شیعیان اثنا عشری برمی‌شمارند. این مقاله بیشتر با بررسی منابع و فتوای فقها و علمای مختلف، سعی نموده تا ارتباط علویان و شیعیان امامیه را روشن سازد و به عبارتی تأکید مقاله یادشده بر اصول و فروع اعتقادی علویان است. محمد بقایی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای با عنوان «فرقه نصیریہ در میان منابع فرق اسلامی»، به این مطلب اشاره دارد که اطلاعات درست و مستند در مورد علویان که مورد تأیید این گروه باشد، بسیار اندک است و تحقیقات درباره فرقه یادشده نیز در دهه‌های اخیر شروع شده است. نویسنده گزارش صاحبان ملل و نحل در مورد فرقه نصیریہ را مبهم و متناقض می‌داند که به سختی می‌توان به آن اعتماد کرد. در واقع این مقاله، سعی نموده تا چهره علویان را در کتاب‌های قدیمی سایر فرق بررسی کند و از علویان در عصر حاضر و موقعیت آن‌ها شرح مبسوطی نمی‌دهد. عباس برومند اعلم (۱۳۹۱)، در کتابی با عنوان جامعه علویان سوریه، پیروان این فرقه را که به نام نصیریہ نیز شناخته می‌شوند، بخشی از پیکره جهان تشیع خوانده که با عمری حدود هزار سال، تا امروز دوام یافته و در بخش وسیعی از آسیای غربی شامل ترکیه، سوریه و لبنان پراکنده شده‌اند. علویان به لحاظ عقیدتی گرچه در اصل شیعه هستند، نمودهای متعددی از عقاید سایر فرق در آن‌ها دیده می‌شود. این گروه که بخش مهمی از تاریخ را در انزوا و محرومیت سپری می‌کردند، از قرن نوزدهم به بعد، در صحنه تحولات منطقه نقش‌آفرین شده‌اند. نویسنده اطلاعاتی جامع در مورد تاریخ علویان سوریه داده و عقاید مذهبی این گروه را در کتاب خویش بازگو نموده است.

مسعود اخوان کاظمی و سارا ویسی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «علویان سوریه»، ضمن اشاره به مصائب و مشکلات آن‌ها و شرح عزلت‌نشینی پیروان این فرقه در طول دوران عثمانی، پایان جنگ جهانی اول و شروع قیمومت فرانسه بر سوریه را آغاز توجه به علویان می‌دانند. نویسندگان معتقدند که امروزه طرف‌داران این فرقه در سوریه، از سوی جنبش‌ها و گروه‌های بنیادگرا مانند اخوان المسلمین احساس خطر می‌کنند. نویسندگان،



نهضت بیداری اسلامی در سوریه را نیز حرکتی برخاسته از سوی اکثریت اهل سنت این کشور علیه اقلیت حاکم علوی مذهب ارزیابی می کنند. در واقع تأکید مقاله، بر موقعیت علویان سوریه در دوره های مختلف تاریخی و چگونگی ارتباط این گروه با اهل سنت سوریه است.

احمدی ارکمی و هم کاران (۱۳۹۷)، در مقاله ای با عنوان «تبیین جایگاه علویان سوریه در سناریوهای پس از بحران»، ضمن پرداختن به چگونگی شکل گیری بحران سوریه و بازی گران داخلی و خارجی موثر در این بحران، سعی نموده اند سناریوهای مختلف مطرح برای سوریه پس از خاتمه بحران را ارزیابی کرده، سناریوی محتمل را عرضه نمایند. در این مقاله نیز بیش تر به بحران سوریه اشاره شده و مخاطب اصلی مقاله، حکومت علوی سوریه است و به فرقه علوی از منظر مذهبی چندان توجه نشده است.

در مجموع، بررسی هایی که از منابع و مقالات با موضوع علویان سوریه صورت گرفته، غالب این نوشته ها رویکرد و نگاه تاریخی یا فقهی داشته و به موضوعاتی مانند سیر تاریخی علویان از گذشته تا امروز یا چهره علویان در کتاب سایر فرق پرداخته اند. مقالات سیاسی با موضوع علویان سوریه نیز غالباً حکومت علوی مسلک سوریه را در نظر قرار داده و نگاه جدی به خود علویان نداشته اند. در این زمینه، مقاله ای مشاهده نگردید که فرصت ها و تنگناهای علویان در سوریه را با هدف تعیین راهبرد ارزیابی کرده باشد.

### مبانی نظری

شیعیان به شاخه های متعددی تقسیم شده اند که شیعه دوازده امامی، استوارترین آن ها از لحاظ مجهز بودن به فقه و اصول فلسفه شیعه است. تاریخ تشیع، تاریخی پرتلاطم و پرماجرا بوده که بی شک آموزه های این مذهب، سهم زیادی در تدوین این وضعیت داشته است. کشوری در خاورمیانه وجود ندارد که یکی از فرق شیعه در آن وجود نداشته باشد و از سویی کم تر رویدادی را می توان در خاورمیانه بررسی کرد که یک سر آن به شیعه یا شیعیان مربوط نشود. در این جهت، شیعیان گاهی خود کارگزار رویدادها بوده و گاهی نیز موضوع حوادث و کنش های سیاسی - اجتماعی قرار گرفته اند. (نقیب زاده، ۱۳۸۶، ص ۱۶۷)

شیعیان در طول تاریخ، همواره به مثابه عنصری بیگانه و غیرخودی در درون دولت‌های عربی بازتعریف شده و قرن‌ها به صورت حساب‌شده‌ای سرکوب گردیده‌اند. در واقع این جریان، از ابتدای تاریخ اسلام از سوی بسیاری از رهبران سنی و به ویژه گروه‌های افراطی جوامع اسلامی، به عنوان یک موضوع حل‌نشده سیاسی مسلمانان عرب به نمایش گذاشته شده و با رویکردی تردیدآمیز به آنان نگریسته‌اند. بسیاری از حکومت‌های مستقر در خاورمیانه، همواره در طول تاریخ ترجیح داده‌اند جمعیت شیعیان کشورشان را نادیده بگیرند. (زارع و احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱۵)

در قرن ۲۱ و با گسترش پدیده جهانی شدن، موضوع ژئوپلیتیک شیعه به یک موضوع داغ محافل جغرافیای سیاسی مبدل گشته است. ژئوپلیتیک شیعه، به بررسی و مطالعه توزیع فضایی شیعیان در جهان و تأثیر آن‌ها بر سیاست‌گذاری‌های منطقه‌ای و جهانی و نقش عملکردی این فرقه مذهبی بر روی برنامه‌ها و سیاست‌های سایر حکومت‌ها و رفتار سیاسی شیعیان با حکومت‌های مختلف می‌پردازد. (حسینی و احمدی، ۱۳۹۵، ص ۱) با نگاهی به چگونگی پراکنش شیعیان، درمی‌یابیم که قلمروهای شیعی از لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، دارای توانمندی زیادی هستند. در دهه‌های اخیر، بروز تحولات مختلفی چون: پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، موفقیت‌های حزب‌الله در لبنان و سقوط صدام در عراق، موجب شد شیعیان در کانون توجه و تحولات منطقه قرار بگیرند. عوامل مذکور همراه با استقرار شیعیان در بطن مناطق راهبردی توأم با قابلیت ژئواکونومی بالا، سبب ارتقای جایگاه تشیع و تبدیل آن به یک مؤلفه ژئوپلیتیک قدرتمند گردیده است. (پیشگاهی فرد و هم‌کاران، ۱۳۹۴، ص ۷) انقلاب اسلامی ایران با برخورداری از دیدگاه فرامرزی، بر کشورها و ملت‌های زیادی در مناطق مجاور یا دوردست و به ویژه در خاورمیانه تأثیر گذاشته است. این تأثیرگذاری، به طور عمده در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیت‌های مؤثر دینی در کشورهای اسلامی و به ویژه در مناطق شیعه‌نشین کشورهای عربستان سعودی، بحرین، عراق و لبنان مشهود است. (احمدی و هم‌کاران، ۱۳۹۵، ص ۷) از طرفی اندیشه‌وران و محققان، در تفسیر پدیده اشغال عراق در سال ۲۰۰۳ توسط نیروهای

امریکایی، از قدرت‌گیری شیعیان نام برده و برای توصیف این وضعیت، از مفاهیمی مانند احیای شیعه، خیزش شیعه، محور شیعه، پان‌شیئیسم، رنسانس شیعه و بلوک شیعی استفاده نموده‌اند که این موضوع، سبب شده تا کشورهای عرب منطقه، برای زیر فشار قرار دادن ایران به عنوان هارتلند تشیع، خود را به سمت امریکا و غرب نزدیک کنند. (زرقانی و احمدی، ۱۳۹۶، ص ۱)

### فرقه علویان

علاوه بر فرق شناخته‌شده و بزرگ شیعه مانند دوازده‌امامی، اسماعیلی و زیدی، برخی از منابع از گروه‌های دیگری در این دسته یاد می‌کنند که با عنوان غلات مطرح بوده و جزء تقسیم‌بندی شیعیان به شمار می‌روند. بعضی از پژوهش‌گران، اعتقاد دارند که جریان غلات در زمان ائمه علیهم‌السلام و یا بعد از آن نمی‌توانند به عنوان یک فرقه مطرح باشند؛ زیرا این گروه دارای جمعیت گسترده نبودند و طرف‌داران آن‌ها از انگشتان دست تجاوز نکرده‌اند. در این زمینه، منابع اهل سنت معمولاً برای محکوم کردن رقیب مذهبی خود، عقاید غلات را با شرح و بسط فراوان نقل کرده‌اند تا از آن به عنوان یک دستاویز برای محکوم کردن شیعیان استفاده نمایند، (احمدی، ۱۳۹۰، ص ۶۰) آنچه شناخت علویان را دشوار ساخته، این است که علوی‌گری، اصول اعتقادی مکتوب و نظام‌مند ندارد. اصول و عقاید موجود اغلب شفاهی بوده و این موضوع سبب شده تا آموزه‌های دینی علویان به صورت اسطوره‌ای عرضه گردد و متون محدود بازمانده از این فرقه نیز از نظر سبک و سیاق و بیان دارای تفاوت‌هایی هستند. علوی‌گری مانند بسیاری از گروه‌های مشابه در تاریخ، از گذشته سرچشمه گرفته و زمانی طولانی را پشت سر گذاشته است. حاصل این تسلسل، علویانی هستند که امروزه در ترکیه و سوریه استقرار یافته‌اند. علویان اصرار دارند که نام این فرقه از اسم امام علی علیه‌السلام گرفته شده که در مرکز اعتقادات این فرقه قرار دارد. آن‌ها اعتقاد دارند که به دلیل دوست داشتن زیاد حضرت علی علیه‌السلام به این نام خوانده شده‌اند. (واحدی، ۱۳۹۴، ص ۵۰) علوی در لغت به معنای منسوب به امام علی علیه‌السلام است. در اصطلاح به کسی گفته می‌شود که آن حضرت را بر سه خلیفه دیگر ترجیح می‌دهد و پیرو اوست. (بهمن، ۱۳۹۵، ص ۱۷)

غالب منابع، شکل‌گیری فرقه نصیری یا همان جامعه علویان سوریه را که در یکی دو قرن اخیر با قدرت‌گیری خود در منطقه غرب آسیا کانون توجه قرار گرفته‌اند، مربوط به قرن سوم هجری و در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام و دوران غیبت صغرا می‌دانند که در عرصه جغرافیایی عراق ظهور یافتند. محمد بن نصیر نمیری بنیان‌گذار این فرقه، از کسانی بود که با استفاده از موقعیت خود در حلقه یاران عسکرین علیهم السلام و بحران عقیدتی موجود در عصر غیبت صغرا، با ادعای بابیت و ادعاهای دیگر، جماعتی را گرد خود جمع کرد. (بروند اعلم، ۱۳۸۵، ص ۳۶) پس از مدتی حسین بن حمدان خصیبی، با تبلیغ گسترده و آمیختن تعالیم نصیری با تصوف و حمایت‌های دولت حمدانی، پایه‌های نصیری را محکم ساخت. اما با حمله دولت بیزانس به شمال شام و درگیری‌های مذهبی در این منطقه، نصیری‌ها با رهبری شیخ طبرانی به جبال و سواحل لاذقیه رفتند و در مناطقی مانند طرطوس، لاذقیه، انطاکیه، جبله و جبل لکام مستقر گردیدند. (بقای، ۱۳۹۱، ص ۸۳) از نظر پراکنش جغرافیایی، شیعیان علوی امروزه بیشتر در دو کشور ترکیه و سوریه سکونت دارند. در مورد انتقال نصیری از عراق به شام و مناطق شمالی، می‌توان گفت: پس از آن‌که علمای بزرگ شیعه مانند شیخ صدوق، شیخ مفید، سیدرضی و سیدمرتضی، شروع به تدوین کتب مهم شیعه و کتب اربعه کردند تا از این طریق جلوی هرگونه تداخل و اشتباه در مذهب را بگیرند و مرزهای شیعه اثناعشری را روشن سازند، جماعت غالی‌مذهب علوی، مجبور شدند یا در تشیع مستحیل شوند و یا حیات مخفیانه همراه با کتمان عقاید خود را در پیش گیرند و به مناطق دور از مرکز خلافت و سلطنت آل‌بویه شیعه‌مذهب نقل مکان نمایند. (برومند اعلم، ۱۳۹۱، ص ۶۶) علویان به مکتب شیعه دوازده‌امامی معتقدند با این تفاوت که یک سازمان روحانیت سازمان‌یافته و منسجمی ندارند. الهیات علویان، به طور مستقل تکامل یافته و دارای جنبه‌های ناآشنای بسیاری مانند الوهیت دادن به بعضی از شخصیت‌ها برای دیگر مسلمانان است. علویان خرقة‌پوش بودند که به آن‌ها جنبه اختفا می‌دهد. دوپلانول علویان ساکن در منطقه آناتولی را فرقه‌ای سازمان‌نیافته و اهل سرّ می‌داند. (توال، ۱۳۸۲، ص ۹۲) نصیری‌ها یا همان علویان سوری، بیشتر در غرب سوریه،

یعنی در لاذقیه و سواحل دریای مدیترانه ساکن هستند و ۱۲٪ جمعیت این کشور را شامل می‌شوند. تعداد زیادی از علویان در سال‌های اخیر، به دمشق مهاجرت کرده‌اند ولی هنوز حمص مرکز اصلی شیعیان علوی است. بعد از حمص، شهرهای جبله، طرطوس و لاذقیه، از مهم‌ترین شهرهای علوی‌نشین سوریه هستند. (برومند اعلم، ۱۳۹۱، ص ۳۸)



نقشه شماره ۲۱: پراکنش علویان در سوریه و ترکیه منبع: (یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۷)

فرقه علوی تا قبل از به قدرت رسیدن حافظ اسد، از لحاظ اقتصادی و اجتماعی، گروهی ستم‌دیده و محروم در سوریه قلمداد می‌شدند. هنگام تسلط عثمانی بر سوریه، فقهای اهل سنت، علویان را نامسلمان خوانده، این تیمیه فتوایی صادر کرد و بر اساس آن

علویان را بدعت‌گذار و کافر اعلام نمود. به دنبال این فتوا، سپاه عظیمی بر سر مردم جبل خسروان در سوریه گسیل شد و به علویان حمله کردند. سخت‌گیری و بدرفتاری عثمانیان با علویان، باعث شد تا این گروه مذهبی مانند گذشته در سکونت‌گاه‌های خود باقی مانند و اعتقادات خود را از چشم دیگران مخفی نمایند. به علویان نه تنها از لحاظ مذهبی، بلکه از نظر نژادی نیز ظلم شد و مستحق هیچ لطف و حمایتی نبودند. آن‌ها به اسارت برده شده و فروخته می‌شدند. حتی تا آخرین سال‌های حکومت عثمانی، اوضاع اقتصادی علویان سوریه به شدت رو به زوال می‌رفت تا جایی که دختران خود را به شهرنشینان سنی‌مذهب می‌فروختند. (برومند، ۱۳۸۷، ص ۲۰۴) علویان در قرن شانزدهم میلادی از دیدگاه امپراتوری عثمانی، مردمی بددین بودند که به واسطه حمایت از حکومت صفویه، تهدیدی سیاسی قلمداد می‌گردیدند. (Melikoff, 1999, P.5)

قیمومت فرانسه بر سوریه، سبب شکل‌گیری نوعی هم‌کاری میان علویان و فرانسویان گشت؛ زیرا فرانسه در پی تقویت اقلیت‌ها با هدف جلوگیری از تقویت ناسیونالیسم عرب بود. با به قدرت رسیدن حافظ اسد، ساختار قدرت سیاسی تا حدودی به سوی نخبگان علوی‌مذهب سوق یافت و حافظ اسد در توزیع قدرت سیاسی با تأکید بر محوریت شکاف‌های اجتماعی - مذهبی عمل می‌کرد؛ به طوری که پست‌های کلیدی و امنیتی را به علویان سپرد که این وضعیت در دوران فرزندش یعنی بشار اسد ادامه یافت. (اخوان کاظمی و ویسی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷)

## یافته‌های تحقیق

### ۱. نقاط قوت علویان سوریه

علویان سوریه به عنوان یک فرقه مذهبی قابل توجه هستند و از ویژگی‌های خاصی برخوردارند که از آن‌ها می‌توان به عنوان نقطه قوت یاد کرد. در صورت شناخت، برنامه‌ریزی و تقویت این ویژگی‌های مثبت، می‌توان از آن‌ها در جهت رشد و ترقی شیعیان و به طور خاص شیعیان علوی در منطقه و جهان سود جست. در ادامه به برخی از این شاخصه‌های مثبت پرداخته می‌شود.

موقعیت راهبردی سوریه در منطقه به عنوان یک پدیده قدرت‌زا برای شیعیان علوی محسوب می‌شود. سوریه در آسیای غربی و در نقطه اتصال سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا و حد فاصل اروپای غربی و خاورمیانه نفت خیز قرار دارد. واقع شدن سوریه در منطقه راهبردی خاورمیانه و نقش محوری این کشور در اکثر بحران‌های منطقه‌ای مانند جنگ ایران و عراق، صلح خاورمیانه، حمله عراق به کویت و غیره، گواهی بر اهمیت استراتژیک و ژئوپلیتیک این کشور در خاورمیانه است. (نیاکویی، ۱۳۹۱، ص ۱۳۳) اهمیت و نقش سوریه در معادلات خاورمیانه، تا اندازه‌ای است که هنری کسینجر می‌گوید: «اعراب نمی‌توانند بدون مصر بجنگند و بدون سوریه صلح کنند». (علی‌پور و قیطاسی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۱) از سوی دیگر، واقع شدن بر کناره شرقی دریای مدیترانه و برخورداری از ۱۸۶ کیلومتر ساحل و همسایگی با فلسطین اشغالی، لبنان، ترکیه و عراق، آشکارا بر موقعیت ژئوپلیتیک این کشور افزوده است. به دلیل اهمیت و نقش راهبردی این کشور، بسیاری از کارشناسان روابط بین‌المللی، سوریه را بزرگ‌ترین کشور کوچک جهان لقب داده‌اند. ([www.tebyan.net](http://www.tebyan.net)) کشور سوریه نقطه اتصال مراکز صنعتی و بازرگانی اروپا و مراکز تولید نفت در منطقه خلیج فارس است. در صورت بهبود وضعیت عراق، این کشور می‌تواند محل عبور لوله‌های نفت و گاز برای صادرات انرژی ایران و عراق به اروپا از طریق دریای مدیترانه باشد. همان‌طور که اتصال راه‌آهن این سه کشور نیز می‌تواند اهمیت بازرگانی سوریه را افزایش دهد. تجارت از این طریق می‌تواند ضمن تسریع امور، پرداخت مالیات کانال سوئز را از دوش واردکنندگان نفت بردارد. (شمس دولت‌آبادی و عسکری، ۱۳۹۸، ص ۳۱) قرار گرفتن سوریه در مسیر مخازن نفت خلیج فارس و بازار مصرف اروپا و رقابت میان صادرکنندگان انرژی مانند عربستان، قطر، ایران، عراق و سوریه، این کشور را از لحاظ ژئوپلیتیک انرژی و دسترسی بسیار مهم جلوه می‌دهد. اهمیت جایگاه سوریه در موضوع انتقال انرژی، به اندازه‌ای است که جنگ در سوریه را می‌توان جلوه‌ای از یک جنگ نفتی یا جنگ خط لوله به شمار آورد. رابرت کندی، در مقاله‌ای با عنوان «سوریه: جنگ خط لوله دیگر»، استدلال می‌کند که جنگ علیه بشار اسد، از اعتراضات مسالمت‌آمیز ۲۰۱۱م،

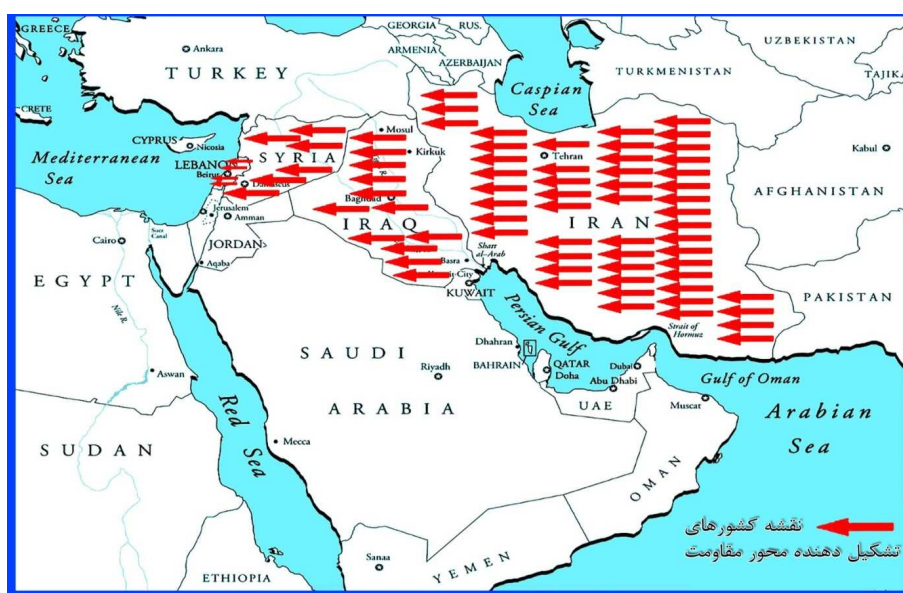
آغاز نشد، بلکه از تصمیم اوباما در سال ۲۰۰۹م شروع شد که دولت سوریه، خط لوله پیشنهادی قطر را با هزینه ده میلیارد دلاری به اروپا منتقل می‌کرد. (علی‌پور و قیطاسی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۱)

یکی از اندیشه‌های مثبت معتقدان به مذهب تشیع، اعتقاد آن‌ها به اصل تقیه است. پیروان مکتب تشیع از این اصل در مواقع حساس و ضروری به عنوان یک استراتژی برای حفظ موجودیت خویش و بهره‌گیری از زمان استفاده می‌کنند. از آنجایی که شیعیان در طول تاریخ پیوسته در اقلیت و انزوا بوده‌اند و تربیون و قدرت حاکمیتی در بیشتر زمان‌ها در دست اهل سنت بوده، لذا روی آوردن به اصل تقیه عملی هوشمندانه در مبارزه با رقیب و حفظ موجودیت شیعیان بوده است. در واقع تقیه سپر پولادینی بوده که از برنامه‌ها و طرح‌های شیعیان در دوران خفقان محافظت کرده است. (زین‌العابدین و همکاران، ۱۳۹۲، ص ۷) علویان سوریه نیز در طول حیات خود، به دلیل در اقلیت قرار گرفتن، به تقیه روی آورده و از این طریق توانسته‌اند کم‌تر خشم و غضب حاکمان تندرو عثمانی را برانگیزند. بهره‌مندی شیعیان از روحیه شهادت، ایثار و مقاومت را نیز می‌توان از فرصت‌های پیش‌روی معتقدان به این مکتب تلقی کرد. ظلم‌ستیزی، از ویژگی‌های مهم شیعیان به شمار می‌آید. یکی از علل حساسیت غرب به ژئوپلیتیک تشیع، آموزه‌های ایدئولوژیک و فرهنگی دین اسلام است. در چنین فضایی، آموزه‌های ایدئولوژیک شیعه از حساسیت بیشتری برای غرب برخوردار است. چون شیعه با اعتقاد به غاصبانه بودن حکومت غیرمعصوم، هرگونه تسلط غیرمسلمان بر مسلمان را جایز نمی‌داند و این باور، بنیاد استعمار و استثمار را به چالش می‌کشد که غرب نماد آن است. (کمری و عزتی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷) فوکویاما در کنفرانس اورشلیم با عنوان «بازشناسی هویت شیعه» می‌گوید:

شیعه پرنده‌ای است که بالاتر از تیررس ما (غرب و اسرائیل) پرواز می‌کند. این پرنده دو بال سبز و سرخ دارد که بال سبز آن مهدویت و عدالت‌خواهی و بال سرخ آن عاشورا و شهادت‌طلبی است. این پرنده زرهی بر تن دارد که آن زره ولایت فقیه است. (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۱)



شیعیان در جهان امروز، با پیروی و الگو گرفتن از امام حسین علیه السلام، در برابر ظلم و استبداد اعم از داخلی و خارجی، مقاومت می‌کنند و روحیه سازش‌ناپذیری از خود نشان می‌دهند. پیوستن حکومت علوی مسلک سوریه به جریان مقاومت و سازش‌ناپذیری علویان سوریه در برابر اسرائیل را می‌توان در این جهت بررسی کرد. بعد از به قدرت رسیدن خانواده اسد در سال ۱۹۷۰ میلادی، سوریه یکی از مهم‌ترین حامیان جریان مقاومت و حزب‌الله لبنان در منطقه بوده است تا جایی که سیدحسین نصرالله، دبیر کل حزب‌الله لبنان، سوریه را تکیه‌گاه مقاومت معرفی می‌کند. (لطفی و هم‌کاران، ۱۳۹۶، ص ۱۵) شکل‌گیری محور مقاومت، گرچه در ابتدا بر اساس نگرانی‌های امنیتی بود، به مؤلفه‌های اصلی نظام اتحادها در خاورمیانه مبدل شد و پیوند سیاسی با برخی گروه‌ها و نیروهای خرد و غرب‌ستیز در عراق، یمن و عربستان برقرار نمود که پادشاه اردن از آن به عنوان نفوذ ایران به مثابه اختاپوسی با شاخک‌های متعدد در درون جهان عرب یاد می‌کند. (Seeberg, 2012, P.23)



نقشه شماره ۳: نقشه کشورهای تشکیل‌دهنده محور مقاومت. منبع: یافته‌های نگارندگان

برخورداری از اندیشه فقهی پویا، از دیگر نقاط قوت علویان و به طور کلی شیعیان بوده است. شیعیان این توانمندی را دارند که با گذشت زمان و تغییر اوضاع، احکام و قواعد خود را به روز و مطابق با زمان تفسیر کنند. نگرش‌های عقلانی و اجتهادی مذهب تشیع، استعداد انعطاف‌پذیری بالایی به پیروان این مذهب داده است. در واقع این موضوع می‌تواند سبب سازگاری بیش‌تر شیعیان با جهان و محیط اطراف گردد. (سیدباقری، ۱۳۸۲، ص ۵۱۷) رشد سیاسی شیعیان به طور کلی و جماعت علوی در سوریه را می‌توان به عنوان یک نقطه قوت ارزیابی کرد. در عصر حاضر و با توجه به ارتقای سطح علمی پیروان مذهب علوی و گسترش ارتباط این فرقه با محیط اطراف، میزان خودآگاهی آن‌ها افزایش یافته است. اقلیت‌های شیعه و علویان، از نظر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی رشد نموده و برای رسیدن به حقوق حقه خود، در تلاش هستند. شاهد بر این ادعا، تلاش شیعیان در کشورهای مختلف خاورمیانه است. علویان سوریه اگرچه اقلیتی در دل اکثریت سنی هستند، در تمامی جهان تشیع یک استثنا محسوب می‌گردند. آن‌ها مهم‌ترین مؤلفه اجتماعی را که سایر شیعیان (به جز ایران و تا حدودی عراق و لبنان در سال‌های اخیر) از آن محروم هستند، یعنی قدرت سیاسی را به طور کامل در اختیار دارند. تسلط بر ارتش و عضویت در حزب بعث که سرانجام سبب در دست گرفتن قدرت توسط شیعیان گردید، سوریه را به بازی‌گری فعال در امور منطقه‌ای چون: جنگ داخلی لبنان، صدام‌ستیزی، و مبارزه با رژیم صهیونیستی تبدیل کرد. علویان سوریه اکنون دغدغه سایر شیعیان عرب منطقه در مورد تبعیض و در حاشیه بودن را ندارند، اما ماندن در قدرت و ادامه حکومت و حفظ وضعیت موجود، دغدغه‌ای است که آن‌ها را به خود مشغول داشته است. (نادری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷)

رویکرد متعادل نسبت به مذهب، یکی از ویژگی‌های علویان در سوریه بوده و این گروه در طول تاریخ، پیوسته از ترس سرکوب مخالفان و یا سانسور شدید حاکمان سنی، به تقیه روی آورده‌اند. از طرفی، بعد از تغییر اوضاع در سوریه و روی کار آمدن دولت، حکومت علوی سوریه تعصب مذهبی شدیدی نداشته و در این زمینه حتی خیل زیادی از مخالفان و گروه‌های تندرو مذهبی مانند اخوان المسلمین، حکومت اسد را به سکولاریست

بودن محکوم می‌کنند و با شعار حفظ شعائر مذهبی، به مخالفت با وی می‌پردازند. عدم پایبندی شدید علویان به سنت‌های مذهبی و مدارا با گروه‌های مختلف مذهبی، باعث شده تا اقلیت‌های مذهبی سوری مانند دروز و مسیحیان، گرایش به بقای حکومت علوی داشته و از روی کار آمدن اخوان در سوریه در هراس باشند.

## ۲. ضعف‌های علویان سوریه

یکی از عواملی که به عنوان نقطه ضعف برای علویان محسوب می‌شود، فقدان اطلاعات درست و مستند در مورد آنان است. تحقیقات در مورد علویان در دهه‌های اخیر شروع شده و منابع مستقل و جامع در این زمینه اندک است. در میان صاحبان ملل و نحل، شرط انصاف در مورد فرق رعایت نشده و نویسندگان، انواع تهمت‌ها و نسبت‌ها را به فرق مخالف خود روا داشته‌اند. امروزه علویان خود را از بسیاری از نسبت‌ها مبرا می‌دانند. برای نمونه، ابن تیمیه فتوا داده، جماعتی که نصیریه نام دارند، از یهودیان، مسیحیان و حتی مشرکان کافرترند و آسیب آن‌ها به امت پیامبر ﷺ از ضرر کافران محارب بیشتر است. (بقایی، ۱۳۹۱، ص ۸۳)

از دیگر مواردی که برای علویان سوریه یک نقطه ضعف تلقی می‌شود، وجود برخی اندیشه‌ها و اعتقادات غلوآمیز در مورد آن‌هاست. احوال هیچ فرقه دینی در جهان اسلام به اندازه علویان متشنت نیست. علویان سوری از فرق منشعب از تشیع اثناعشری بوده که در اثر موقعیت‌های خاص تاریخی و جغرافیایی و بستر عقیدتی که در آن رشد کرده‌اند، دچار انحرافات غلوآمیز شده‌اند. غلو در مورد امام علی علیه السلام، یکی از ویژگی‌های مهم عقیدتی علویان است. اعتقاد کلی بر این است که علویان از نظر اصول اعتقادی بر تشیع متکی هستند، ولی برخی از گروه‌های علوی مذهب از نظر فرهنگ، عرف و عادات و اعمال مذهبی، از تشیع فاصله گرفته‌اند و این موضوع بیشتر از عواملی چون: محرومیت، انزوا و تفاوت‌های فرهنگی و جغرافیایی و بدبینی‌های دشمنان ناشی می‌شود. (واحدی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۷)

جریان‌های اسلام‌گرای افراطی متعددی در نیم قرن گذشته به منظور به چالش کشیدن رژیم‌های استبدادی و سکولار در خاورمیانه ظهور کرده‌اند. سوریه از جمله کشورهای بوده که در دهه‌های ۷۰ و ۸۰ میلادی، با چالش خشونت‌آمیز چندین گروه افراطی روبه‌رو گشته که اخوان‌المسلمین از جمله آن است. در سوریه پیش‌زمینه‌های زیادی از جمله مسائل روحی-روانی در کنار مشکلات اقتصادی و هم‌چنین تنفر مردم این کشور از امریکا به دلیل حمایت از اسرائیل، حادثه یازده سپتامبر ۲۰۰۱، حمله امریکا به کشورهای خاورمیانه و مقاومت اسلام‌گرایان رادیکال در مقابل این حوادث، محبوب شدن اسلام‌گرایی افراطی را در نزد پاره‌ای از قشرهای سوری به همراه داشته است. (سیفی و هم‌کاران، ۱۳۹۵، ص ۲۵) ترور برخی از افسران علوی توسط این گروه در گذشته و شورش گسترده در شهر حماه در سال ۱۹۸۲ از جمله این چالش‌هاست. امروزه نیز بحران سوریه، علاوه بر خیزش ظلم‌ستیزانه، به علت حضور اکثریت شهروندان اهل سنت علیه حکومت بشار اسد، از جنبه مذهبی قابل تأمل است. (www.shiastudies.com)

طرف‌داران فرق مختلف مذهبی در گذشته، معمولاً در اماکن جغرافیایی معین و دور از هم زندگی می‌کردند اما بروز خشک‌سالی‌های مکرر، سبب مهاجرت روستاییان به شهرهای بزرگ و گسترش شهرنشینی گردید که این پدیده، باعث نزدیکی طرف‌داران مذاهب مختلف به یک‌دیگر شد و ایجاد تنش و برخورد میان آن‌ها را افزایش داد. (Salamandra, 2013, P.4)

هم‌چنین عدم برخورداری روحانیان علوی از ساختار نظام‌مند و قوی، از نقاط ضعف علویان محسوب می‌گردد. باید اذعان کرد که دستگاه روحانیت و مرجعیت دینی در میان علویان، به شکلی که در نزد شیعیان امامی و حتی اهل سنت وجود دارد، موجود نیست. مقام روحانیت در بین علویان، قائل به شیخ است و به متصوفه بسیار شباهت دارد. از آن جایی که مقام شیوخ و روحانیان علوی در عشیره پایین‌تر از رییس است، لذا در بسیاری از موارد، رجال و شیوخ دینی بر مبنای خواست و سلیقه رییس عشایر عمل می‌کنند و توان مقاومت در برابر آن‌ها را ندارند. (برومند اعلم، ۱۳۹۱، ص ۱۵۱)

شکندگی ساختاری حکومت علوی مسلک سوریه را نیز می‌توان یک عامل ضعف تلقی نمود. علاوه بر چینش نامناسب قومی و مذهبی در سوریه، دستگاه حاکمیت با توجه به ماهیت فرقه‌ای و قبیله‌ای خود، در سازمان‌دهی نهادهای ملی خویش مانند ارتش، متأثر از ملاحظات قبیله‌ای و قومیتی عمل نموده و بیشتر تر پست‌های نظامی و امنیتی به خانواده اسد سپرده شده است. در واقع ساختار سیاسی سوریه، دچار نوعی انحصار است و زمینه لازم برای ورود افراد سایر قبایل و فرق به مراکز مهم تصمیم‌گیری فراهم نیست. این موضوع احساس محرومیت را در بین اکثریت جامعه سوریه فراهم ساخته است. (باقری و قربانی، ۱۳۹۵، ص ۲۵)

دین و مذهب، همواره از نیرومندترین عوامل ایجاد نظم و ثبات در روابط اجتماعی و سیاسی بوده است؛ اما تفاسیر مختلف از دین، موجب شکل‌گیری نحله‌ها، فرقه‌ها و دسته‌های مختلف گردیده که پیامدهای آن، شکل‌گیری گسیختگی اجتماعی، بی‌ثباتی و ناپایداری سیاسی در جامعه است. (مهکویی و همکاران، ۱۳۹۸، ص ۱۳۷) علی‌پور با بیان اختلاف نظر بین مذاهب اسلامی می‌گوید:

امروزه با توجه به اختلافات مذهبی در اسلام، اغراق‌آمیز نیست که بگوییم انگار برای هر مسلمان، دو نسخه کتاب قرآن وجود دارد و این وضع پیوسته رو به وخامت قرار دارد. تمرکز بر اختلافات، به ناتوانی جهان اسلام برای مقابله با چالش‌های سیاسی منجر شده است. (علی‌پور و همکاران، ۱۳۹۷، ص ۶۷)

در این زمینه، کمبود جمعیت و فرقه‌گرایی نیز برای شیعیان علوی در سوریه، یک نقطه ضعف محسوب می‌شود. برخی از محققان میدانی، آمار علویان را در سوریه بین سه تا پنج میلیون نفر برآورد کرده‌اند که چیزی در حدود ۷٪ و در خوش‌بینانه‌ترین حالت ۹٪ جمعیت سوریه را شامل می‌شود. غالب منابع، شیعیان علوی را زیر ۱۵٪ جمعیت در سوریه معرفی می‌نمایند. از سویی، علویان سوریه فرقه‌های متعددی را شامل می‌شوند که

معروف‌ترین آن‌ها سه فرقه کلانیه، حیدریه و مرشدیه هستند. فرقه‌های حیدریه و کلانیه تا حدودی معتدل هستند اما فرقه مرشدیه، هرچند جمعیت کمی دارند، بسیاری از آن‌ها باطنی‌اند و چندان به شریعت اسلام پای‌بند نیستند، (فرمانیان و ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۳) بر اساس آمارهای سال ۲۰۰۰ میلادی، نود درصد مناصب بالا در بخش نظامی و امنیتی سوریه در دست علویان است و بیش‌تر وزرای کابینه این کشور علوی‌مذهب هستند. در واقع نسبت فامیلی و مذهبی، مهم‌ترین راه دسترسی به قدرت بوده و با توجه به انسجام اجتماعی اندک و فرق مختلف مذهبی در سوریه، این روند شکاف اجتماعی دیرپایی را در کشور ایجاد نموده است.

وجود اندیشه‌های نیرومند محلی‌گرا، از دیگر عوامل تضعیف‌کننده حکومت علوی در سوریه محسوب می‌شود. دوزاده مرکز محلی در سوریه وجود دارد که هر کدام به همراه روستاهای اطراف با جمعیت حداقل یکصد هزار نفری، از یک جایگاه سنتی خودکفایی کشاورزی برخوردار هستند. یک‌پارچه نبودن هویت سوریه، موجب شده تا احساسات وفاداران محلی‌گرا، زمینه تحکیم وفاداری محلی را در مناطق گوناگون این کشور فراهم نماید و اندیشه‌های محلی‌گرا را ماندگار سازد. (یزدان‌پناه درو و نامداری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱)

عدم برخورداری مردم سوریه از احساس ناسیونالیستی قدرتمند نیز از دیگر عوامل تضعیف دولت این کشور قلمداد می‌گردد. تغییرات گسترده و پی‌درپی مرزهای جغرافیایی سوریه در قرن بیستم، زمینه رشد هرگونه ناسیونالیسم یک‌پارچه و پرمغز را از میان برد و سوری‌ها چه قبل از استقلال و چه بعد از آن، به وفاداری‌های محلی یا ماورای ملی روی آوردند. مرزهای کشور برای سوری‌ها هرگز حقیقی نبوده و هویت عربی از هویت سوری پرمعناتر است.

اختلاف میان شیعه و اهل سنت در سوریه را می‌توان به عنوان یک مؤلفه ضعف برای علویان سوریه به شمار آورد. اختلاف میان شیعه و سنی، ریشه تاریخی داشته و به طور عمده بر سر موضوع جانشینی پیامبر ﷺ و چیستی اسلام واقعی به وجود آمده است.

سوریه دارای جمعیتی شامل شیعه و سنی بوده و اهل سنت، جمعیت حداکثری را تشکیل می‌دهند و به طور سنتی، از جایگاه سیاسی و اقتصادی مهمی بهره‌مند بوده‌اند. در دوران حاکمیت امپراتوری عثمانی، سخت‌گیری نسبت به شیعیان علوی زیادتر شد و این وضعیت تا زمان سلطه فرانسه بر سوریه، تداوم یافت. حضور فرانسه در سوریه نیز بر شکاف میان شیعه و سنی افزود و به سوی تخصص سوق داد. این وضعیت تا امروز ادامه یافته و از یک طرف علویان پس از سال‌ها انزوا، حاضر نیستند موقعیت خود را در سوریه واگذار نمایند. از طرفی نیز اهل سنت سوریه با جمعیت ۷۴ درصدی خود، خواهان در اختیار گرفتن قدرت و حکومت هستند. (دهقان و هم‌کاران، ۱۳۹۵، ص ۵۹) حدس و گمان‌های متناقض و گاهی متضاد در میان مورخان و پژوهش‌گران در مورد شیعیان علوی را می‌توان یک مؤلفه تضعیف‌کننده برای شیعیان علوی در نظر گرفت. برخی از مورخان، شیعیان و علویان را یکی دانسته، تفاوتی بین آن‌ها قایل نمی‌شوند؛ اما برخی دیگر، به علویان غالی‌گری، تناسخ، الوهیت‌بخشی به ائمه علیهم‌السلام و غیره نسبت داده، آن‌ها را به سبب عقاید کفرآمیز و نشر اکاذیب علیه امامان معصوم علیهم‌السلام، از جامعه اسلامی و دین اسلام مطرود می‌دانند. (www.shiastudies.com)

از دیگر عواملی که سبب تضعیف اعتقادات دینی و مذهبی و گسترش خرافات در بین شیعیان علوی در گذشته شده، انزوای تاریخی و قرار گرفتن در اوضاع سخت جغرافیایی است. علویان در گذشته، به دلیل فشارها و تعصبات مذهبی و برای بقای خود، به مناطق حاشیه و کوهستانی پناه برده و با مناطق شهری ارتباط چندانی نداشته‌اند. این حقیقتی انکارناپذیر است که هر زمان، جامعه‌ای اصلی‌ترین عامل پویایی و حیات خود یعنی تعامل و ارتباط با سایر مراکز فرهنگی را از دست داد، منابع درونی آن به تحلیل می‌رود و از درون پوسیده می‌شود و فرومی‌پاشد. قطع ارتباط علویان با مراکز حافظ تشیع در شام، عراق و ایران، تبعات سنگینی برای آن‌ها داشته و عامل اصلی بروز افکار غلوآمیز در میان جامعه علوی گشته است. (برومند اعلم، ۱۳۹۱، ص ۱۵۳)

شکاف اجتماعی موجود در سوریه نیز یک پدیده مؤثر در تضعیف علویان محسوب می‌شود. سوریه دارای تنوع قومی و مذهبی زیادی است و اقوام و گروه‌های مختلفی مانند کرد، عرب، ترکمن، علوی، مسیحی، سنی، دروزی و ایزدی در این کشور ساکن هستند. شکاف و درگیری بین اقوام مختلف سوریه، سابقه تاریخی دارد اما بعد از جنگ جهانی دوم، این اختلافات گسترش یافته است. نگرش فارغ از عقلانیت و آمیخته با تعصبات شدید حزبی و قومی، باعث ایجاد فاصله شدید بین کردها و دولت علوی گشته و تضييع مکرر حقوق اقلیت کرد نیز سبب شکل‌گیری گروه‌های رادیکال قومی در سوریه شده است. این عوامل، در شکل‌گیری بحران کنونی سوریه تأثیر زیادی داشته است. (دهقان و هم‌کاران، ۱۳۹۵، ص ۵۹)

رکود اقتصادی موجود در سوریه هم می‌تواند یک مؤلفه تضعیف‌کننده برای علویان محسوب شود. سوریه یکی از کشورهای ضعیف منطقه از لحاظ اقتصادی است. این کشور درآمد نفتی زیادی ندارد و اقدامات اصلاحی بشار اسد هم با وقوع بحران در این کشور و استمرار آن، به نتیجه مطلوب ختم نشد. از سوپی فساد مالی و اداری موجود در سوریه نیز از مشروعیت و اثربخشی دولت سوریه کاسته است. (ناجی و فرجی‌راد، ۱۳۹۵، ص ۵۱)

نارضایتی اقتصادی و گسترش فقر در مناطق پرجمعیت شهرهای اغلب سنی‌نشین، از عوامل اصلی تشدید بحران در این کشور بوده است. این موضوع، سبب نامشروع جلوه دادن حکومت بشار اسد و محکوم کردن حکومت علوی به ناکارآمدی گردیده است. اعتراض‌های مردمی در سوریه، با اهداف اصلاحی آغاز شد اما با نقش منفی قدرت‌های خارجی و منطقه‌ای و نقش آفرینی منفی کنش‌گران قومی و مذهبی در داخل، منحرف گردید و به سمت جنگ داخلی ویران‌گر سوق یافت. مناطق مسکونی و زیرساخت‌های این کشور به شدت آسیب دید و بر اثر تحریم‌های بین‌المللی، اقتصاد سوریه آسیب جدی دید. بانک جهانی میزان خسارت وارده در جنگ داخلی سوریه را ۲۲۶ میلیارد دلار برآورد نموده است. (شمس دولت‌آبادی و عسکری، ۱۳۹۸، ص ۳۱)



رکود سیاسی در سوریه و نظام تک‌حزبی اقتدارگرا را هم می‌توان یک مؤلفه مؤثر در مشروعیت‌زدایی رژیم علوی تلقی کرد. فضای اختناق داخلی، سیستم تک‌حزبی غیرمشارکتی و انباشته شدن مطالبات مردمی، وضعیت شکننده‌ای را برای حکومت سوریه فراهم ساخته و اکثریت اهل تسنن مردم سوریه، دنبال موقعیتی هستند تا به تغییر نظام دست بزنند. از سوی کشتارهای تعدادی از شهروندان بعد از شروع بحران در سوریه، اوضاع را پیچیده‌تر نموده است. تقارن قرن ۲۱ با فراگیری تکنولوژیک رسانه‌ای، به ویژه بهره‌برداری از فضای مجازی در قالب شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات اینترنتی که بیان‌گر ژئوپلیتیک فضای مجازی بوده، امکان اطلاع‌رسانی سریع و بهینه را در میان دسته‌های گوناگون جوامع فراهم ساخته است. این وضعیت سبب جریان یافتن اطلاعات آزاد و افزایش اطلاعات شهروندان در مورد حقوق شهروندی شده و در کشورهایی مانند سوریه که حکومت در آن چندان دموکراتیک نبوده و دچار شکاف‌های قومی و مذهبی است، زمینه رویارویی مخالفان و دولت فراهم گشته است. (جمالی و شفیع‌پور، ۱۳۹۲، ص ۱۴۱)

جدول شماره ۲: درصد عوامل مذهبی در تعارضات قومی در جهان

منطقه	تعداد گروه‌ها	درصد مذهب به عنوان یک موضوع	تمایز مذهبی	تقاضای حقوق مذهبی	مذهب به عنوان گفتمان سیاسی
خاورمیانه و شمال آفریقا	۱۴	۷۱	۶۲	۵۰	۸۷
بلوک شوروی سابق	۳۱	۵۲	۲۷	۴	۴۶
امریکای لاتین	۱۲	۸۱۲	۲۵	۲۵	۳۷
دموکراسی‌های غربی	۸	-	۲۵	۲۵	۳۷
آفریقا	۱۴	۲۸	۸	۸	۲۱

منبع: (مهکویی و هم‌کاران، ۱۳۹۸، ص ۱۳۷)

### ۳. تهدیدهای پیش روی شیعیان علوی

موضوع رقابت و تنش‌های موجود میان دو کشور ایران و عربستان، یکی از مقوله‌های تهدیدزا بر موقعیت شیعیان علوی و نظام حاکم در سوریه، قلمداد می‌شود. با حمله امریکا به عراق و سقوط صدام، سیستم مثالی توازن قوا بین ایران، عراق و عربستان در خاورمیانه از بین رفت و دو کشور ایران و عربستان سعودی در چارچوب نظام دو قطبی، به طور مستقیم در مقابل یک‌دیگر قرار گرفتند. (Jahner, 2012, P.42) نظریه ام‌القری یا رویکرد محوریت جهان اسلام که دو کشور ایران و عربستان دنبال می‌کنند، سطح تنش و برخورد را به ویژه در سال‌های اخیر در منطقه خاورمیانه بالا برده است. در این زمینه، ایران و عربستان با توجه به اهداف و منافع خاص خود در سوریه، موضع‌گیری متضادی داشته‌اند. در این میان، عربستان از گروه‌های معارض نظام بشار اسد حمایت می‌کند و با پشتیبانی از گروه‌های سلفی، سعی دارد تا موازنه قدرت را در منطقه به نفع خود پیش ببرد. دولت عربستان بر خلاف ترکیه، با هر تلاشی حتی حمایت از گروه‌های تندرو و بدون هیچ توجه به آینده، فقط خواهان سقوط دولت اسد و در نهایت ضربه زدن به ایران بوده است. (علی‌پور و قیطاسی، ۱۳۹۶، ص ۲۳۱) ایران نیز با حمایت از دولت سوریه و تقویت محور مقاومت، همواره دنبال تغییر موازنه قوا به سود خود در منطقه بوده است. رقابت قدرت‌های منطقه‌ای مانند ایران، ترکیه و عربستان در سوریه و دنبال کردن منافع متعارض خود، به نوعی سبب تشدید و تداوم بحران در این کشور شده و چراغ سبزی را برای حضور و مداخله کشورهای فرامنطقه‌ای در این کشور نشان داده است. از نظر عربستان سعودی، کنترل سوریه یعنی کنترل لبنان و عراق و گسترش مرزهای خود از یک سو تا ایران و از سوی دیگر تا دریای مدیترانه است. ترکیه با در دست گرفتن اوضاع سوریه، دنبال بازگشت عظمت از دست رفته امپراتوری عثمانی است. (شریفیان و هم‌کاران، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹)

عدم پیوند میان علویان سوریه با علویان ساکن در ترکیه نیز می‌تواند یک تهدید برای علویان محسوب شود. علویان ترکیه به هیچ وجه خود را با علویان سوریه پیوند نمی‌دهند.

اگرچه هر دو گروه دارای زمینه‌های تاریخی مشترک هستند و به نظر می‌رسد هویت آن‌ها با هم پیوند عمیقی دارد، ژئوپلیتیک محیط قبایلی آن‌ها با پس‌زمینه‌های عربی، کردی و ترکی که از آن سرچشمه گرفته‌اند، به عنوان یک عامل متمایزکننده عمل می‌کند. (آرینگبرگ، ۱۳۸۷، ص ۲۰۱)

شکل شماره ۱: عدم هم‌گرایی علویان سوریه و ترکیه



منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۷

شکل‌گیری و تقویت گفتمان سلفی و تکفیری در برابر شیعیان نیز می‌تواند یک موضوع تهدیدآمیز برای علویان سوریه لحاظ شود. راهبرد مهم جریان سلفی در برابر تشیع پس از بدعت‌آمیز نشان دادن عقاید تشیع، گسترش موج شیعه‌هراسی در بین اهل سنت با تأکید بر افزایش قدرت شیعیان است. وهابیون و سلفیون، تکفیر را منشأ مشروعیت خود می‌دانند و از آن در مقابل غیروهابیون مانند شیعیان استفاده می‌کنند. به نوعی می‌توان تکفیر مخالفان توسط افراطیان اهل سنت را با حربه انگیزشیون کلیسای قرون وسطا در اروپا مقایسه کرد. (Ibrahim, 2006, P.30) جریان سلفی سعی دارد شیعه را به عنوان یک هراس

دائم در جامعه اهل سنت معرفی کند و اولین گام در این راه، تحریف تشیع و تبلیغ این مذهب به عنوان اندیشه‌ای بدعت‌آمیز و کفر است. لذا ارائه تفسیر انحرافی از توحید، نه تنها شیعیان را کافر دانسته، بلکه جنگ و کشتار شیعی را نیز وظیفه‌ای شرعی و واجب می‌داند. (رضایی و رضوانی‌فر، ۱۳۹۴، ص ۱۱)

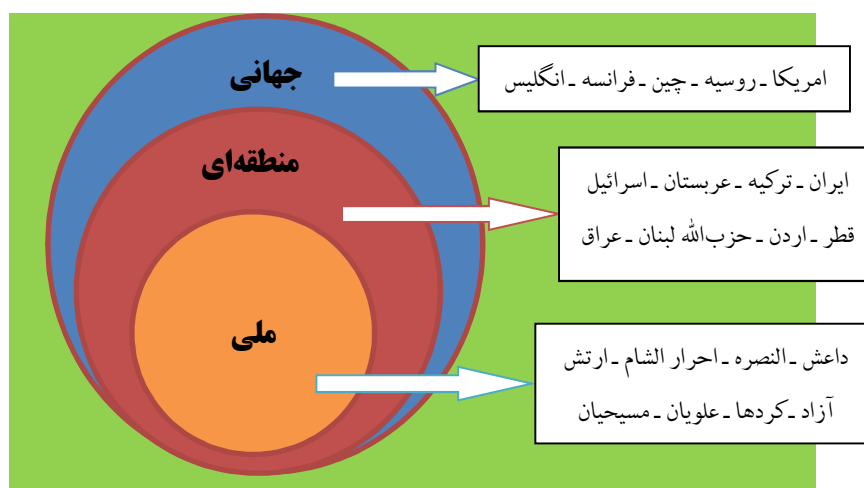
با شکل‌گیری بیداری اسلامی، موج ایران‌هراسی و اختلاف‌افکنی بین شیعه و سنی گسترش یافت. لذا شاهد شکل‌گیری بلوک تکفیری قدرت‌مندی در بخشی از جهان اسلام بوده‌ایم. عربستان سعودی به عنوان رقیب منطقه‌ای ایران، با دامن زدن به طرح هلال شیعی، انگیزه کافی برای سامان‌دهی این بلوک را در اهل سنت به وجود آورد. این کشور توانست با اتحاد با دیگر رقیب منطقه‌ای ایران یعنی ترکیه، بر وزن و قدرت خود بیفزاید. در این جهت اگر تدبیر ایران نبود، محور مقاومت از دو سوی شمال و جنوب زیر فشار قرار گرفته، آمادگی برای سرایت بحران به داخل ایران نیز وجود داشت. (تلاشان و هم‌کاران، ۱۳۹۸، ص ۷)

حضور جریان تکفیری و تروریستی موسوم به داعش در سوریه و انجام دادن عملیات با هدف ساقط کردن حکومت علوی سوریه را می‌توان یک تهدید بزرگ برای علویان سوری به حساب آورد. این گروه تکفیری و جهادی، از ائتلاف چند گروه مسلح عضو القاعده شکل گرفت و توانست با حمایت کشورهای فرامنطقه‌ای و برخی از دولت‌های منطقه، بخش اعظم خاک سوریه را تصرف کند. در واقع داعش یک جریان سیاسی بوده که تشکیل آن، مبنای فلسفی و فکری نداشته و از آن جایی که بهره‌برداری از احساسات دینی و ملی مردم در خاورمیانه عادی است، داعش نیز سعی داشته با تغییر نام خود به عنوان دولت اسلامی عراق و شام و خلافت اسلامی، بر موج احساسات دینی مردم اهل سنت منطقه سوار شود و به اهداف خود برسد. (قائم‌پناه و خانمحمدی، ۱۳۹۴، ص ۴۰) در مورد شکل‌گیری گروه افراطی داعش، باید به این واقعیت اشاره کرد که در سال‌های اخیر، ایجاد و پیوند گسترده در جبهه مقاومت و اتصال ژئوپلیتیک از تهران تا بیروت که بغداد و دمشق را نیز

در برمی‌گیرد، جایگاه استراتژیک جبهه مقاومت را ارتقا داده است. در این اوضاع، خطر ارتقای جبهه مقاومت به نقطه‌ای دست‌نیافتنی، به بحرانی جدی برای نظام سلطه و محور عبری، عربی و غربی تبدیل شده است. بر این اساس، بحران‌سازی داعش و دخالت غرب در سوریه، برای رفع تهدید ایران و تضعیف جبهه مقاومت بوده است.

یکی دیگر از تهدیدات پیش روی شیعیان علوی در جهان امروز پدیده جهانی شدن است. دغدغه‌زا بودن جهانی شدن، ناشی از چالش‌هایی است که به همراه دارد و دوسویه بودن پیامدهای این پدیده را نشان می‌دهد. جهانی شدن دارای دو رویه ایدئولوژیک و تکنولوژیک است که از جنبه ایدئولوژیک، رابطه میان اسلام و تشیع با جهانی شدن، رابطه‌ای تعارضی است و تهدیداتی از این ناحیه متوجه مسلمانان و حتی شیعیان می‌شود. حضور و دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای در سوریه را می‌توان تهدیدی برای حکومت علوی سوریه قلمداد کرد. به اعتقاد بسیاری از کارشناسان، ناآرامی‌های سوریه قبل از آن‌که امتدادی از خیزش‌های مردمی و اسلامی باشد، معلول معادلات و مناسبات منطقه‌ای و بین‌المللی است که سوریه را به آوردگاه تازه‌ای برای رقابت‌های استراتژیک تبدیل کرده است.

شکل شماره ۲: سطوح بحران در سوریه - منبع: یافته‌های نگارندگان، ۱۳۹۷

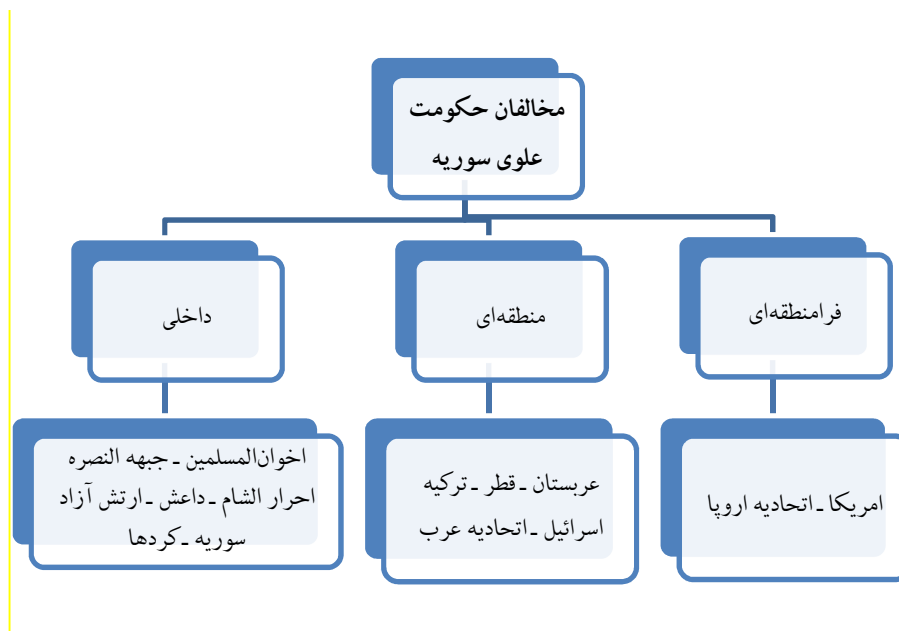


کارشناسان با استناد به مداخله امریکا، آلمان، فرانسه در بی‌ثبات‌سازی سوریه، به این باور رسیده‌اند که جوهره اعتراضات در این کشور، متفاوت از قیام‌های مردمی در سایر کشورهای منطقه بوده و تابعی از رقابت‌های راهبردی و ژئوپلیتیک منطقه‌ای و متأثر از معادلات بین‌المللی است که هدفی به غیر از تضعیف جریان مقاومت اسلامی و مهار قدرت ایران ندارند. (اشرفی و بابازاده، ۱۳۹۴، ص ۳۴) قرار دادن سوریه در حالت هرج و مرج، تاکتیک غرب در نبرد با ایران محسوب می‌شود. فوری‌ترین هدف غرب از بی‌ثبات‌سازی و ایجاد بحران در سوریه، تصرف اولین خاکریز دفاعی جبهه مقاومت در مقابل اسرائیل و حمله به عمق راهبردی ایران در جهت سیاست مهار این کشور قلمداد می‌گردد. (صادقی و لطفی، ۱۳۹۴، ص ۱۲۳) مداخله امریکا در سوریه را می‌توان به عنوان یک تهدید مهم برای علویان به حساب آورد. امریکا و متحدان غربی آن، اگرچه موفق به لشکرکشی به سوریه از طریق قطعنامه شورای امنیت نشدند، از طریق اعمال تحریم‌های اقتصادی و نظامی و مسلح کردن مخالفان، حمایت مالی از رسانه‌ها و عناصر مخالف نظام علوی در سایر کشورها و برجسته‌سازی درگیری‌ها در سوریه، به تلاش خود در بی‌ثبات کردن سوریه ادامه دادند.

در مقیاس جهانی، تلاش برای حذف دولت اسد، از آخرین پرده‌های نمایش داستان فروپاشی شوروی و سناریوی تک‌قطبی نمودن نظام بین‌الملل است. (یزدان‌پناه و نامداری، ۱۳۹۲، ص ۱۰۱) به عبارتی دیگر، حوادث سوریه به نوعی مانور امریکا برای از بین بردن محور ایران، سوریه و حزب‌الله به عنوان شالوده قدرت ایران در منطقه است. در واقع هنگامی که دوستان اسرائیل در واشنگتن به این نتیجه رسیدند که راه ایران از سوریه می‌گذرد و پاشنه آشیل حزب‌الله نیز سوریه است، روزشمار سقوط بشار اسد شروع شد. (نیاکویی و بهمنش، ۱۳۹۱، ص ۹۱) در مورد حوادث سال ۲۰۱۱ سوریه ضمن احترام به خواسته‌های به حق مردم، باید توجه داشت که بحران سوریه متفاوت با کشورهای مصر و تونس بوده است؛ زیرا سوریه، به محلی برای بازیابی نظم سابق توسط قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی مبدل شد. در اوضاع فعلی، شیعیان علوی این کشور با هجمه‌های مختلف نظامی،

سیاسی و روانی گسترده‌ای مواجهند. این موضوع، سبب شده تا آن‌ها به هیچ وجه جایگاه قبلی خود را در سوریه بحران‌زده نداشته باشند. (صالحی و ساسانیان، ۱۳۹۲، ص ۵۹) در واقع انقلاب‌های مردم در کشورهای عربی که با عنوان بهار عرب یا بیداری اسلامی نیز نام‌گذاری شده، به دلیل آشکار نبودن حکومت‌های جایگزین و نبود رهبری واحد و قدرتمند، زمینه را برای ایجاد هرج و مرج فراهم نمود. این درگیری‌ها در کشور سوریه که به بهانه شکل‌گیری بیداری اسلامی گسترش یافته بود، زمینه عدم فهم مناسب اوضاع را برای برخی از سران دفتر سیاسی حماس در سوریه فراهم ساخت و به انتقال دفتر این متحد سوریه به قطر و عدم‌همراهی آن‌ها با محور مقاومت انجامید. (تلاشان و هم‌کاران، ۱۳۹۸، ص ۷) موج بیداری اسلامی در واقع به نوعی برای سوریه به عنوان یک چالش و تهدید نیز محسوب می‌گردد.

شکل شماره ۳: مخالفان حکومت علوی سوریه - منبع: یافته‌های نگارندگان



تبلیغ و پافشاری مخالفان این کشور بر پروژه ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی، از دیگر مؤلفه‌های تهدیدزا برای حکومت علوی دمشق است. از آغاز بحران در سوریه، دستگاه‌های اطلاعاتی عربستان با تبلیغات گسترده، سعی نمودند نقش ایران شیعی را در سرکوب اهل سنت در سوریه پررنگ نمایند و به تشکیل جبهه ضدایرانی واحد در منطقه دست بزنند. علمای وهابی در این جهت نقش زیادی داشتند که برای نمونه، در ژوئن ۲۰۱۳، علمای اهل سنت در قاهره، اعلام جهاد همه‌جانبه در سوریه نمودند و اعلام کردند که رژیم علوی اسد با حمایت‌های ایران و حزب‌الله، در تلاش است که برادران اهل سنت ما را قتل عام کند، لذا جهاد در سوریه بر ضد علویان واجب است. سعودی‌ها از ظرفیت علمای مذهبی مبنی بر ضرورت جنگ در سوریه برای دفاع از مسلمانان اهل سنت استفاده نمودند و افراط‌گرایان را به این سرزمین گسیل داشتند. (باقری و قربانی، ۱۳۹۵، ص ۲۵) همسایگی سوریه با اسرائیل و موضع ضدصهیونیستی و جانبداری این کشور از محور مقاومت نیز سبب شده تا اسرائیل تلاش بی‌وقفه‌ای را برای سقوط یا تضعیف دولت علوی سوریه آغاز نماید. موقعیت سوریه در خاورمیانه قابل تأمل است. در میان کشورهای عربی خاورمیانه، امروزه تنها سوریه سکان‌دار مبارزه با اسرائیل است. حمایت از مقاومت اسلامی در لبنان و فلسطین در جنگ ۳۳ روزه و ۲۲ روزه و مخالفت با روند سازش و به رسمیت شناختن رژیم صهیونیستی، دلایلی بر صدق این مدعاست. در حال حاضر تمام منابع اسرائیلی بر خطر سوریه تأکید داشته، دولت اسد را خطری بر ضد منافع اسرائیل و اهداف آن در منطقه قلمداد می‌کنند. (اخوان کاظمی و ویسی، ۱۳۹۱، ص ۱۴۷) از نظر برخی از استراتژیست‌های امریکایی، اسرائیل کلید موفقیت امریکا در خاورمیانه بوده، لذا باید از این دولت برای رسیدن به اهدافش حمایت کرد. آن‌ها معتقدند تحقق امنیت اسرائیل از راه تضعیف، محدودسازی و حتی سرنگونی سوریه، حذف شیعیان جنوب لبنان و ایران، حذف دولت عراق و تغییر در هیأت حاکمه فلسطین امکان‌پذیر است. (Cook, 2008, P.36)



#### ۴. فرصت‌های شیعیان علوی

شیعیان علوی سوریه، علاوه بر داشتن قوت و ضعف‌های داخلی، از بعضی جریان‌ها و عوامل خارج از محیط جغرافیایی خود نیز تأثیر می‌پذیرند؛ عواملی که سبب گسترش قدرت علویان در سوریه می‌شود و می‌توان از آن‌ها با عنوان فرصت یاد نمود. از جمله مؤلفه‌های فرصت‌زا برای علویان سوریه، توسعه فناوری‌های ارتباطی و استفاده از فضای سایبر است. گسترش استفاده از فضای مجازی با توجه به ظرفیت جهان‌شمول آن، فرصتی را برای گروه‌های مختلف و از جمله شیعیان علوی سوریه فراهم آورده تا از این بستر، به تبلیغ آرمان و آموزه‌های واقعی خود پردازند و از فضای خفقان و سانسور فاصله گرفته، هویت واقعی خود را به نمایش گذارند. در این جهت، برقراری ارتباط مؤثر و آسان با شیعیان دیگر کشورها و بهره‌گیری از ظرفیت‌های آن‌ها نیز خود فرصتی برای تقویت هویت و جایگاه شیعیان علوی سوریه قلمداد می‌گردد.

جهانی شدن و قلمروزدایی را می‌توان یکی دیگر از فرصت‌های شیعیان علوی برشمرد. اهمیت سیاسی دین در سیاست بین‌الملل که از آغاز قرن هفده رنگ باخته بود، بار دیگر در اواخر قرن بیست به مدد فرآیند جهانی شدن به دوران اوج خود رسیده است؛ زیرا جهانی شدن به کمک بسترهای تکنولوژیک خود، موقعیت‌هایی را فراهم ساخته که ملل دنیا می‌توانند پیام تمدنی و صدای فرهنگی خود را منعکس سازند که گیدنز از آن با عنوان «جهانی شدن» معکوس یاد می‌کند. (ضابطی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۷) در این بستر فرصت برای شنیده شدن صداهای ضعیف وجود دارد. در این زمینه دین اسلام به عنوان یک مکتب مترقی و مذهب شیعه می‌تواند با ارائه نظام معنایی خود، الگویی جدید را به جهان معرفی نماید و شیعیان علوی از این بستر، توان خروج از انزوا و معرفی خود به دیگران را پیدا کرده‌اند. صاحب‌نظران و اندیشه‌وران، از طریق جهانی شدن فرصت مطالعه و آشنایی با فلسفه و آیین تشیع را پیدا می‌کنند. موضوع دیگر تجدید حیات ژئوپلیتیک تشیع در دهه‌های اخیر است که یک فرصت در جهت ارتقای موقعیت شیعیان مناطق مختلف

جغرافیایی و از جمله علویان سوریه محسوب می‌شود. پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، یک نقطه عطف در آغاز حیات سیاسی شیعیان بوده که تحولات سیاسی - اجتماعی را در سایر جوامع مسلمان و به ویژه در مناطق شیعی‌نشین به وجود آورده است. بسیاری از صاحب‌نظران معتقدند، به دنبال انقلاب اسلامی ایران، ارزش‌های اسلامی و به ویژه شیعی در جهان احیا شد. هر ایر دکمیجیان می‌نویسد:

جهان تنها پس از ورود ناگهانی انقلاب اسلامی به قلمرو سیاست و امور بین‌الملل بود که متوجه اسلام گردید. در بسیاری از کشورها، شاهد گسترش مذهب شیعه در فاصله زمانی پس از انقلاب هستیم. در پی قدرت گرفتن شیعیان در ساختار سیاسی کشورهای خود، آن‌ها شروع به ایفای نقش در عرصه بین‌المللی نمودند، به طوری که شیعیان در دوره پایانی قرن بیستم، به یکی از بازی‌گران اصلی در جامعه بین‌الملل تبدیل شدند. (سلیم و حسین‌زاده، ۱۳۹۶، ص ۲۱۷)

این موضوع با سقوط صدام و تحولاتی چون پیروزی حزب‌الله در لبنان و افزایش قدرت منطقه‌ای ایران، سبب بازسازی هویت شیعیان در خاورمیانه گردید. آموزه‌های ایدئولوژیک شیعه در انقلاب اسلامی ایران و تحقق حاکمیت تشیع در ایران، افق تازه‌ای به روی شیعیان جهان گشوده و شیعیان عزت خویش را بازیافته و به عنصری تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی مبدل شده‌اند. (کمری و عزتی، ۱۳۹۷، ص ۱۰۷) اما نصر معتقد است که امریکا با تغییر رژیم در عراق، در واقع سلطه اهل سنت در این منطقه را با چالش روبه‌رو ساخت. وی اذعان دارد که قدرت گرفتن شیعیان، هر چند ممکن است پیامدهای فرهنگی و مذهبی در منطقه داشته باشد، در نهایت سبب در رأس قرار گرفتن ایران در جریان احیای تشیع خواهد شد. (حاجی یوسفی، ۱۳۸۸، ص ۱۵۹) بنابراین قدرت گرفتن شیعیان در منطقه و گسترش نفوذ ایران بر سرنوشت علویان سوریه نیز بی‌تأثیر نیست و می‌تواند یک مقوله فرصت‌زا برای آن‌ها محسوب گردد.

سقوط صدام و دولت بعثی در عراق در سال ۲۰۰۳م. نیز یک فرصت برای شیعیان سوری محسوب می‌گردد. ظهور چشم‌گیر شیعیان عراق در عرصه اجتماعی - سیاسی، و تبدیل آن‌ها از قربانیان خشونت و سرکوب، به نیرویی که قادر است در یکی از کشورهای استراتژیک منطقه قدرت را در دست بگیرد، توازن قدرت را در منطقه‌ای که به شکل عمده زیر سیطره سنی‌ها بود، به نفع شیعیان درهم‌ریخت. این موضوع ارتباط گسترده ایران با عراق و گسترش ارتباط ایران در حوزه مدیترانه را به دنبال داشته، برای شیعیان سوری و حکومت بشار اسد هم یک فرصت تلقی می‌شود. (نادری، ۱۳۹۰، ص ۱۷۷) هم‌چنین حمایت روسیه به عنوان یک بازی‌گر جهانی از حکومت بشار اسد در بحران اخیر را می‌توان یک فرصت بزرگ برای شیعیان علوی ساکن در سوریه به حساب آورد. هر چند روابط سوریه و روسیه به گذشته برمی‌گردد و روسیه کشور سوریه را یک متحد قابل اعتماد می‌بیند، تضمین منافع استراتژیک و تداوم نقش‌آفرینی در خاورمیانه از جمله اهدافی است که روسیه در منطقه و از جمله در سوریه، به دنبال تحقق آن است. تغییر قاعده بازی در سوریه، تبلوری از تأثیر روسیه در خاورمیانه است. از دست رفتن سوریه، شاید به حذف تدریجی روسیه از منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه می‌انجامد. از طرفی حمایت مسکو از بشار اسد صرفاً جنبه تاکتیکی نداشته، بلکه سوریه را هم‌پیمان راهبردی خود و آن را دروازه ورود به آب‌های آزاد می‌داند. حفظ بندر طرطوس در کنار دریای مدیترانه و استفاده از سوریه به عنوان مسیر انتقال انرژی روسیه به اروپا، سبب اصلی حمایت روسیه از دولت بشار اسد در بحران اخیر بوده است. (حیدری و هم‌کاران، ۱۳۹۶، ص ۲۶۱) البته این موضوع با منافع شیعیان علوی سوریه هم‌سو بوده و به عنوان یک فرصت می‌توان از آن یاد کرد.

از دیگر فرصت‌های پیش روی شیعیان علوی سوریه، قرار گرفتن این کشور در محور مقاومت است. محور مقاومت نشان‌دهنده اتحاد میان ایران، سوریه و قوی‌ترین بازی‌گران غیردولتی مانند حزب‌الله لبنان و برخی از گروه‌های مقاومت فلسطینی است که همواره در خط مقدم مبارزه با اسرائیل و سیاست‌های غرب در خاورمیانه گام برداشته‌اند. با روی

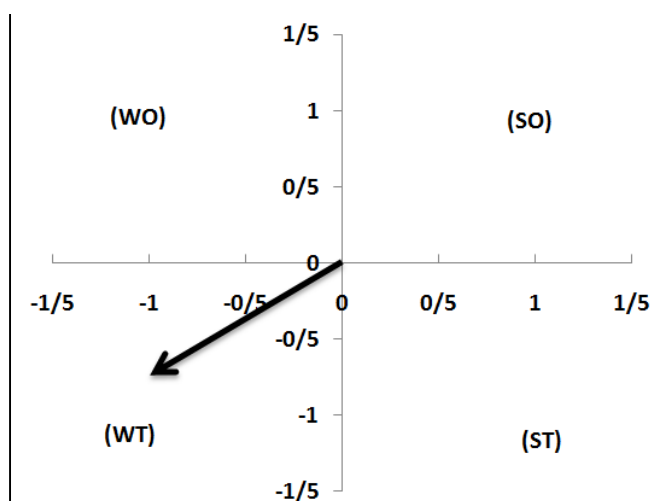
کارآمدن دولت شیعی در عراق، این کشور و سوریه به مثابه پلی میان جبهه مقاومت و ایران به عنوان هارتلند تشیع و مهم‌ترین حامی گروه‌های مقاومت، تلقی می‌شوند. با حذف یا تضعیف نظام اسد در سوریه، ارتباط ایران با جبهه مقاومت و دریای مدیترانه قطع می‌شد؛ لذا ایران از حامیان بشار اسد است و در برابر مخالفان وی فعالیت می‌کند. غلبه اندیشه شیعی بر انقلاب اسلامی ایران و محور مقاومت، ضمن آن که مؤلفه مهمی از قدرت فراملی را به وجود آورده، مشروعیت اسرائیل را به عنوان موجودیتی سیاسی که در نتیجه ستم بر مردم فلسطین شکل گرفته، با تردید مواجه ساخته است. این موضوع، حکومت بشار اسد را که همواره نگاهی اشغال‌گر به اسرائیل داشته، به محور مقاومت نزدیک ساخته و سبب تحکیم ارتباط سوریه با ایران گردیده است. (کریمی، ۱۳۹۶، ص ۱) قرار گرفتن سوریه در محور مقاومت و روابط حسنه این کشور بعد از انقلاب اسلامی با ایران نیز به عنوان یک فرصت برای علویان سوریه محسوب می‌گردد. دولت ایران از جمله متحدان نظام سوریه در بحران اخیر بود و علی‌رغم این‌که امریکا به عنوان قدرت هژمون، راه‌کار سیاسی - نظامی را برای حل بحران سوریه پیشنهاد می‌نمود، ایران تنها راه‌کار ممکن برای ثبات سوریه را راه‌کار سیاسی پیشنهاد می‌کرد که به معنای دخالت دادن مردم در تعیین آینده نظام سوریه بود. (قاسمی، ۱۳۹۷، ص ۶) تغییر نگرش نسبت به قدرت بعد از گسترش پدیده جهانی شدن و رنگ باختن قدرت سخت یا نگرش از بالا به پایین، در واقع به نفع شیعیان در جهان معاصر شد. بر مبنای این نوع گفتمان‌سازی و ایفای نقش نهضت‌ها و جنبش‌ها در جهان اسلام سیاسی شیعی از حاشیه به مرکز تحولات جهان اسلام منتقل گشت. با پیروزی اسلام سیاسی شیعی، شیعیان که در گذشته از بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌های خود هراس داشتند، فرصت یافتند تا فرهنگ مقاومت و جهاد در مقابل فرهنگ زور و قدرت‌مداری را مطرح نمایند. فرهنگ مقاومت که شیعیان منطقه مطرح کرده‌اند، امروزه در فضای جهانی شدن، به یک گفتمان مبدل گشته و به عنوان یک پدیده الهام‌بخش فرهنگی - سیاسی جلوه کرده است. (ضابطی و هم‌کاران، ۱۳۹۶، ص ۱۴۷)

جدول شماره ۳: ماتریس SWOT شیعیان علوی در سوریه

<p>نقاط ضعف - W</p> <p>W1. ضعف مبانی علمی و مذهبی W2. برخورداری از جمعیت محدود W3. عدم برخورداری از پشتوانه اقتصادی و فرهنگی قدرتمند W4. وجود تهدیدات مخالفان و رقبای مذهبی مانند: اخوان المسلمین W5. غلوآمیز بودن برخی از اعتقادات مذهبی علویان W6. وجود نارضایتی داخلی از حکومت علوی مذهب سوریه</p>	<p>نقاط قوت - S</p> <p>S1. عدم پایبندی به تعصب مذهبی S2. برخورداری از موقعیت سیاسی مناسب S3. استقرار در منطقه استراتژیک S4. برخورداری از قلمرو جغرافیایی مطلوب S5. مجاورت با مناطق شیعه‌نشین S6. تشکیل حکومتی قانونی با گرایش شیعه علوی</p>	<p>تحلیل swot</p> 
<p>استراتژی‌های Wo</p> <p>ارتباط حسنه با فرق مذهبی اهل سنت پرهیز از خشونت با هدف خلع سلاح تبلیغاتی افراط‌گرایان وهابی و سلفی در مورد شیعه - ارتباط مؤثر نظام علوی با هم‌پیمانان خارجی در جهت حفظ موقعیت سیاسی خود در کشور در برابر رقبای داخلی و دخالت کشورهای مخالف خارجی - بهره‌گیری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک خود در جهت تقویت ارتباط با کشورهای مانند ایران، روسیه و حزب‌الله با هدف کاهش فشار و نفوذ کشورهای عضو اتحادیه عرب در سوریه - استفاده از موقعیت جغرافیایی استراتژیک سوریه در جهت حمایت روسیه و استفاده از نفوذ این کشور به عنوان سپر دفاعی در برابر فشارهای امریکا و اسرائیل در عرصه داخلی و مجامع بین‌المللی - ارتباط نزدیک با شیعیان کشورهای هم‌جوار و تبلیغ اندیشه‌های شیعیان علوی با هدف معرفی صحیح علویان و خنثی کردن تبلیغاتی که با هدف تخریب این فرقه صورت می‌گیرد. - عضویت در پیمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی و تقویت انسجام ملی در داخل با هدف خنثی کردن نقشه دولت‌های معاند بیگانه که برای سقوط نظام علوی برنامه‌ریزی کرده‌اند.</p>	<p>استراتژی‌های SO</p> <p>- تلاش حکومت علویان در جهت جذب سایر اقلیت‌های سوری با هدف جلوگیری از تسلط سلفیان بر سوریه - استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک تشیع در خاورمیانه در جهت ارتقای منزلت شیعیان علوی - بهره‌گیری از موقعیت استراتژیک مناطق علوی‌نشین در جهت جلب حمایت روسیه - استفاده از توان‌مندی‌ها و قابلیت سرزمینی در جهت ایفای نقش بیش‌تر در بین کشورهای محور مقاومت - بهره‌مندی از ظرفیت‌های جهانی‌سازی و ابزارهای ارتباطی جدید در جهت گسترش ارتباط با قلمروهای شیعه‌نشین خاورمیانه - مقاومت در برابر حملات خارجی و سرکوب تروریست‌ها با هدف حفظ استقلال سوریه و کسب مشروعیت سیاسی برای نظام علوی</p>	<p>فرصت‌ها - O</p> <p>O1. بیزاری شهروندان سوری از اندیشه‌های سلفی O2. تجدید حیات ژئوپلیتیک تشیع O3. حمایت روسیه از نظام علوی سوریه O4. قرار گرفتن در محور مقاومت O5. جهانی شدن و توسعه ارتباطات O6. موفقیت حکومت سوریه در عقب راندن داعش</p>

تهدیدات - T	استراتژی‌های ST	استراتژی‌های WT
<p>T1. گفتمان ضدشیعی و هابیون</p> <p>T2. دخالت قدرت‌های منطقه‌ای در سوریه</p> <p>T3. وجود ناسیونالیسم عربی</p> <p>T4. دخالت امریکا و اسرائیل در سوریه</p> <p>T5. ترویج اندیشه شیعه‌هراسی</p> <p>T6. اجماع جهانی برای سقوط حکومت علوی بشار اسد</p>	<p>- تقویت مبانی علمی، مذهبی و فرهنگی علویان با هدف کم‌رنگ کردن تفکر افراطی سلفی‌گری در سوریه</p> <p>- استفاده از حمایت‌های شیعیان در جهت تثبیت موقعیت خود به عنوان یک فرقه شیعی در سوریه و جهان اسلام</p> <p>- گسترش ارتباط با دولت روسیه به عنوان یک قدرت جهانی در جهت افزایش توانمندی اقتصادی، سیاسی و نظامی حکومت علوی در سوریه</p> <p>- بهره‌مندی از توانمندی‌های کشورهای محور مقاومت در جهت غلبه بر تهدیدات رقبا و مخالفان داخلی مانند گروه اخوان المسلمین</p> <p>- بهره‌گیری از ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی و فضای مجازی در جهت معرفی صحیح علوی‌گری و پالایش مبانی و کتب مذهبی علویان از اندیشه‌های نادرست و غلوآمیز</p> <p>- انجام دادن اصلاحات مؤثر و سازنده در کشور با هدف تقویت انسجام ملی و جلوگیری از واگرایی اقلیت‌های قومی و مذهبی و گرایش آن‌ها به گروه‌های تروریستی مانند داعش</p>	<p>- تقویت مبانی مذهبی و فرهنگی علویان از طریق ارتباط مؤثر با مراکز علمی و حوزه‌های علمیه شیعیان با هدف مبارزه فکری و فرهنگی با وهابیون و تبلیغات ضدشیعی آن‌ها</p> <p>- بهره‌گیری دولت علوی از ظرفیت‌های سیاسی قدرت‌های هم‌سو در منطقه برای ارتقای قدرت و منزلت خود در عرصه داخلی و بین‌المللی و کاهش فشار قدرت‌های مخالف منطقه‌ای مانند عربستان سعودی</p> <p>- گسترش ارتباط با دولت‌های هم‌سو و غیرعرب مانند ایران و روسیه با هدف بهبود وضعیت اقتصادی و تضعیف و کنترل نفوذ دول غربی در لباس پان‌عربیسم</p> <p>- انجام دادن اصلاحات و برقراری تعامل سازنده با اقلیت‌های مختلف داخلی مانند اخوان المسلمین با هدف جلوگیری از تحریک آن‌ها توسط دول خارجی مانند امریکا و اسرائیل و عربستان</p> <p>- پالایش متون مذهبی علویان از اندیشه‌های خرافی و غلوآمیز با هدف خنثی کردن تبلیغات گروه‌های مذهبی رقیب و تضعیف موج شیعه‌هراسی</p> <p>- انجام دادن اصلاحات گسترده در کشور و بهبود وضعیت سیاسی، دینی و اقتصادی و تأمین امنیت شهروندان سوری با هدف افزایش سطح رضایت‌مندی از حکومت علوی و خنثی کردن توطئه کشورهای بیگانه مبنی بر برکناری یا ساقط کردن نظام علوی.</p>

نمودار شماره ۱. تحلیل راهبردی وضعیت شیعیان علوی



منبع: یافته‌های میدانی نویسندگان، ۱۳۹۷

تجزیه و تحلیل

با توجه به مطالعات صورت گرفته درباره محیط داخلی و خارجی قلمرو شیعیان علوی در سوریه، فهرستی از نقاط قوت، ضعف، فرصت و تهدید در این زمینه شناسایی شده و طبق این مؤلفه‌ها، جدول شماره ۲ (ماتریس SWOT) تنظیم گردید. برای تحلیل جایگاه ژئوپلیتیک علویان در سوریه و هر گونه اقدام استراتژیک، طبق اطلاعات مندرج در مبانی نظری و منابع تحقیقاتی، به هر یک از مؤلفه‌های چهارگانه وزن داده شد. به عبارتی، به هر یک از مؤلفه‌های انتخاب شده به عنوان نقاط قوت و فرصت، نمره +۱ (بدترین) تا +۶ (بهترین) تعلق گرفت. برای نقاط ضعف و تهدید درج شده در جدول ماتریس نیز مانند بالا از -۱ (بهترین) تا -۶ (بدترین) نمره اختصاص یافت. در ادامه میانگین نمره متغیرهای چهارگانه به دست آمد و در نهایت داده‌های موجود بر روی محور  $x$ ،  $y$  به نمایش درآمد. برای تعیین راهبرد لازم، وزن‌های موجود بر روی محور  $x$  با هم جمع شد و نقطه مشترک

این محور مشخص گردید. بر روی محور  $Y$  نیز به همین شکل عمل شد. در پایان نقاط مشترک بین محورهای  $x$ ،  $y$  به یک‌دیگر وصل گردید و از مبدأ مختصات ترسیم شده، خطی به سوی این نقطه کشیده شد که نوع راهبرد را نمایان می‌سازد و نشان‌دهنده این مطلب است که تشکیل حکومت علوی در سوریه و مجاورت این کشور با قلمروهای شیعی با ضریب اهمیت بالا، از مهم‌ترین مؤلفه‌های قوت علویان سوریه و عدم برخورداری از تعصب مذهبی، استقرار در منطقه استراتژیک و برخورداری از قلمرو جغرافیایی مطلوب با ضریب اهمیت پایین‌تر، کم‌اهمیت‌ترین مؤلفه‌های قوت شیعیان علوی در سوریه محسوب می‌شوند.

از سوی دیگر، در قسمت نقاط ضعف شیعیان علوی، مؤلفه‌هایی مانند جمعیت محدود شیعیان علوی در سوریه، نارضایتی داخلی از حکومت علوی، عدم برخورداری از پشتوانه اقتصادی قوی و وجود گروه‌های مخالف در سوریه با ضریب اهمیت بالا و گزینه‌هایی مانند اندیشه‌های غلوآمیز، ضعف مبانی علمی و دینی با ضریب اهمیت پایین، از مهم‌ترین نقاط ضعف علویان در سوریه تلقی می‌گردند (میانگین نقاط قوت  $3/50$  و میانگین نقاط ضعف  $4/50$ )، در میان فرصت‌های پیش روی شیعیان علوی نیز با توجه به جدول ماتریس، مؤلفه‌هایی مانند حمایت روسیه از حکومت علویان و قرار گرفتن در محور مقاومت با ضریب اهمیت بالا، و گزینه‌هایی مثل تجدید حیات ژئوپلیتیک تشیع و بیزاری شهروندان سوری از اندیشه‌های سلفی با ضریب اهمیت پایین، به ترتیب بالاترین و پایین‌ترین رتبه را در میان فرصت‌ها در اختیار دارند. هم‌چنین از میان تهدیدهای پیش روی شیعیان علوی سوریه، دخالت قدرت‌های منطقه‌ای، مداخله امریکا و اجماع جهانی علیه حکومت علوی با ضریب اهمیت بالا و گزینه‌هایی مثل ناسیونالیسم عربی و ترویج اندیشه شیعه‌هراسی با ضریب اهمیت پایین‌تر، به ترتیب مهم‌ترین عوامل تهدیدکننده شیعیان علوی از محیط خارج هستند (میانگین فرصت‌ها  $3/60$  و میانگین تهدیدها  $4/33$ ). در مورد چگونگی ترسیم استراتژی کلان در این مدل، بر اساس قاعده معمول اگر میانگین کل امتیاز نقاط



ضعف و تهدیدها از میانگین کل امتیاز وزنی نقاط قوت و فرصت‌ها در جدول ماتریس کم‌تر باشد یعنی  $WT < SO$ ، در این موقع استراتژی کلان از نوع تهاجمی خواهد بود. اما اگر میانگین کل امتیاز نقاط ضعف و تهدیدها بیشتر از میانگین کل امتیاز وزنی نقاط قوت و فرصت‌ها در جدول ماتریس باشد، یعنی  $WT > SO$ ، در این صورت راهبرد از نوع تدافعی ترسیم خواهد گردید. از آن جایی که میانگین کل امتیاز وزنی تهدیدات و ضعف‌های پیش روی شیعیان علوی در سوریه، بیشتر از میانگین وزنی کل فرصت‌ها و تهدیدات است یعنی به عبارتی،  $SO (3/55) > WT (4/41)$  است، در این صورت راهبردی که برای شیعیان علوی سوریه در خاورمیانه پیشنهاد می‌شود، از نوع راهبرد تدافعی خواهد بود.

### نتیجه

عنصر شیعی در طول دهه‌های گذشته، به عنوان یک بازی‌گر مؤثر در سیاست خاورمیانه نقش کم‌رنگی ایفا نموده است. اما بعد از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، این روند تغییر یافت و عنصر شیعه ماهیت ژئوپلیتیک گرفت و در سطح بین‌المللی کانون توجه گردید. شیعیان علوی یکی از گروه‌های شیعی هستند که در سال‌های اخیر، کانون توجه قرار گرفته و در تحولات اخیر خاورمیانه نقش‌آفرین بوده‌اند. شیعیان علوی که تاریخ شکل‌گیری آن‌ها به قرن سوم هجری می‌رسد، در تسلسل تاریخی پر فراز و نشیب خود، تحولات زیادی را پشت سر نهاده و امروزه بیشتر در ترکیه و سوریه استقرار دارند. شیعیان علوی سوریه یک اقلیت را تشکیل می‌دهند که سال‌های زیادی را در انزوا و تحت ستم بوده‌اند. استقرار فرانسویان در سوریه، فرصتی را برای علویان فراهم نمود تا با تکیه بر آن‌ها، خود را تا حدودی از انزوا خارج نمایند. با حاکمیت حافظ اسد بر سوریه، علویان توانستند قدرت سیاسی را به دست آورند و از دوران سخت گذشته فاصله بگیرند. اما جمعیت ۷۴ درصدی اهل سنت این کشور، وضعیت جدید حاکم بر سوریه را بر نمی‌تابیدند و شروع به مقاومت

کردند. در سال‌های حاکمیت حافظ اسد و فرزندش بشار اسد، علویان قدرت را در سوریه در دست داشته ولی چالش‌های زیادی را پشت سر گذاشته‌اند که نمونه برجسته آن بحران اخیر سوریه بوده که حاکمیت علویان بر سوریه را نشانه گرفته و مخالفان علوی اعم از گروه‌های مخالف داخلی و دولت‌های اهل سنت منطقه با همراه ساختن اسرائیل و امریکا و بهره‌گیری از همه ظرفیت‌های جهانی مانند شورای امنیت، سعی دارند تا بشار اسد را از اریکه قدرت به زیر کشند تا علاوه بر روی کار آوردن اهل سنت در سوریه، در رقابت میان اهل سنت و شیعیان در خاورمیانه نیز دست برتر را از آن خود کنند و محور مقاومت و در رأس آن ایران را شکست دهند و از افزایش نفوذ شیعیان در منطقه یا به اصطلاح خودشان هلال شیعی، جلوگیری نمایند. در واقع چیزی که سبب تداوم بحران در سوریه و مداخله بیگانگان در این کشور شد، فراتر از وجود مشکلات داخلی یا به اصطلاح موج دموکراسی‌خواهی مردم سوریه بوده است. گرایش دولت بشار اسد به ایران و مخالفت با اسرائیل و قرار گرفتن سوریه در جرگه محور مقاومت، سبب شد تا پروژه سقوط دولت اسد استارت بخورد.

نتایج به دست آمده در این مقاله با استفاده از جدول ماتریس SWOT که با هدف شناسایی فرصت‌ها و تنگناهای شیعیان علوی در سوریه و ارائه راهبرد مناسب در این زمینه انجام گرفته، نشان‌دهنده برخورداری علویان از فرصت‌ها و نقاط قوت فراوانی مانند تشکیل حکومت در سوریه، مجاورت با مناطق شیعه‌نشین، برخورداری از حمایت روسیه، قرار گرفتن در محور مقاومت و غیره است. از طرفی مؤلفه‌هایی مانند جمعیت محدود، عدم برخورداری از پشتوانه اقتصادی قوی، وجود نارضایتی گسترده از حکومت علوی بشار اسد، دخالت قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در سوریه، گفتمان ضدشیعی و هابیون و ترویج اندیشه شیعه‌هراسی به عنوان منابع تهدید در برابر نقش‌آفرینی علویان سوریه محسوب می‌شوند. با توجه به ارزیابی نتایج به دست آمده و تدوین راهبردهای چهارگانه (تهاجمی، بازنگری، تنوعی و تدافعی) که با استفاده از این مدل مشخص شده‌اند، چون

میانگین کل امتیاز نقاط ضعف و تهدیدهای به دست آمده در این پژوهش بیشتر از میانگین کل امتیاز وزنی نقاط قوت و فرصت‌هاست.  $(SO(3,55) > WT(4,41))$ ، لذا در ترسیم چشم‌انداز موقعیت شیعیان علوی در سوریه، راهبرد تدافعی مناسب تشخیص داده می‌شود.

### راه‌کارها

با توجه به تحلیل موقعیت علویان سوریه در مدل تحلیلی SWOT، راهبرد تدافعی مناسب تشخیص داده شد. لذا برای جبران ضعف‌ها و تبدیل تهدیدات پیش روی علویان سوریه به فرصت، پیشنهادهایی به شرح ذیل مطرح گردیدند:

۱. زدودن اخبار و افکار خرافی از اصول و احکام شیعیان علوی و معرفی چهره واقعی آن‌ها با هدف خنثی نمودن تبلیغات مغرضانه مخالفان؛
۲. مشارکت دادن اقوام و مذاهب مختلف سوری در اداره کشور با هدف مشروعیت‌بخشی به حکومت علوی و جلوگیری از حرکات واگرایی؛
۳. جذب مسلمانان اهل سنت میانه‌رو سوری با هدف خنثی کردن اختلافات میان اهل سنت و شیعیان علوی در این کشور؛
۴. جلوگیری از رویکردها و اقدامات سکولاریستی شدید حکومت علوی سوریه با هدف کاهش حساسیت گروه‌های اسلام‌گرای سنتی مانند اخوان المسلمین و افزایش رضایت‌مندی داخلی از حکومت علوی؛
۵. ایجاد زمینه مناسب در جهت شکل‌گیری ارتباط میان علویان سوریه با علویان ترکیه و دیگر شیعیان منطقه با هدف استفاده از ظرفیت‌های آن‌ها در جهت افزایش وزن ژئوپلیتیک علویان سوریه در منطقه؛
۶. پرهیز از انتقام‌جویی از اقلیت‌های سنی‌مذهب سوریه و متمایز ساختن معاندان خارجی از معترضان داخلی؛

۷. استفاده از ظرفیت‌های ژئوپلیتیک سوریه در جهت اتحاد با متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و استفاده از رأی آن‌ها در مجامع بین‌المللی به نفع حکومت علویان سوریه؛
۸. استفاده از ظرفیت کشورهای گروه مقاومت برای خنثی کردن هجمه اسرائیل و عربستان سعودی علیه حکومت علوی بشار اسد؛
۹. تلاش در جهت تثبیت جایگاه علویان در قانون اساسی جدید سوریه از طریق رای‌زنی گسترده با متحدان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند روسیه و ایران.

## فهرست منابع

۱. احمدی ارکمی، ابوطالب و هم‌کاران، «تبییت جایگاه علویان سوریه در سناریوهای پس از بحران»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره دوم، ۱۳۹۷.
۲. \_\_\_\_\_، «تبیین موقعیت حکومت علویان سوریه پس از وقوع بحران»، فصلنامه سرزمین، سال چهاردهم، شماره ۵۶، ۱۳۹۶.
۳. احمدی، سیدعباس و هم‌کاران، «نقش انقلاب اسلامی در تحول اندیشه‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی شیعه»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال پنجم، شماره ۱۶، ۱۳۹۵.
۴. احمدی، سیدعباس، ایران، انقلاب اسلامی و ژئوپلیتیک شیعه، تهران، مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۰.
۵. اخوان کاظمی، مسعود و سارا ویسی، «علویان سوریه»، فصلنامه شیعه‌شناسی، شماره ۳۸، ۱۳۹۱.
۶. آرینگبرگ ولانناز، مارینی، «علویان ترکیه و علویان سوریه»، ترجمه عباس برومند اعلم، فصلنامه تاریخ اسلام، سال نهم، شماره ۳۵، ۱۳۸۷.
۷. اشرفی، اکبر و امیرسعید بابازاده، «سیاست خارجی روسیه و امریکا نسبت به بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، سال هشتم، شماره ۳۲، ۱۳۹۴.
۸. باقری چوکامی، سیامک و مصطفی قربانی، «ماهیت‌شناسی خشونت در بحران سوریه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال پنجم، شماره ۱۹، ۱۳۹۵.
۹. برومند اعلم، عباس، «فرقه نصیرییه از آغاز تا انتقال دعوت به شام»، فصلنامه تاریخ پژوهان، سال دوم، شماره ۵، ۱۳۸۵.
۱۰. \_\_\_\_\_، جامعه علویان سوریه، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۹۱.
۱۱. بقایی، محمد، «فرقه نصیرییه در میان منابع فرق اسلامی»، فصلنامه جبل‌المتین، سال اول، شماره اول، ۱۳۹۱.
۱۲. پیشگاهی‌فرد، زهرا و هم‌کاران، «ژئوپلیتیک شیعه و قلمروخواهی ایران در شرق مدیترانه»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال سیزدهم، شماره ۴۹، ۱۳۹۴.
۱۳. تلاشان، حسن و هم‌کاران، «تأثیر بیداری اسلامی بر جایگاه بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از SWOT»، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۶، شماره ۵۶، ۱۳۹۸.

۱۴. توآل، فرانسوا، ژئوپولیتیک شیعه، ترجمه کتابون باصر، تهران، نشر ویستار، ۱۳۸۲.
۱۵. حاجی یوسفی، امیرمحمد، «هلال شیعی؛ فرصت‌ها و تهدیدها»، فصلنامه دانش سیاسی، سال پنجم، شماره اول، ۱۳۸۸.
۱۶. حسینی، نرجس‌سادات و سیدعباس احمدی «وضعیت ژئوپولیتیک شیعه در عصر جهانی شدن»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره پنجم، شماره ۲، ۱۳۹۵.
۱۷. حیدری، حجت‌الله و هم‌کاران، «تحلیل بحران سوریه با تأکید بر بازی‌گران و تأثیر آن بر امنیت‌سازی در خلیج فارس»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال دهم، شماره اول، ۱۳۹۶.
۱۸. دهقان، یدالله و هم‌کاران، «شکاف‌های اجتماعی و تأثیر آن بر شکل‌گیری و رشد رادیکالیسم در سوریه: با تأکید بر شکاف‌های قومی - مذهبی»، دوفصلنامه دانش سیاسی، سال ۱۲، شماره دوم، پاییز زمستان ۱۳۹۵.
۱۹. رضایی، حسن و اسماعیل رضوانی‌فر، «افراطی‌گرایی و تکفیر به مثابه یک گفتمان و پی‌آمدهای شیعه‌ستیزی آن»، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، ۱۳۹۴.
۲۰. زارع، صدیقه و حمید احمدی، «تجدید حیات سیاسی شیعیان و کشمکش‌های فرقه‌ای - مذهبی در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره ۱۹، ۱۳۹۵.
۲۱. زرقانی، سیدهادی و ابراهیم احمدی، «شیعه‌هراسی به مثابه قلمروسازی گفتمان محور غربی - عربی در بحران‌های ژئوپولیتیکی خاورمیانه، مطالعه موردی بحران سوریه»، فصلنامه ژئوپولیتیک، سال سیزدهم، شماره ۴، ۱۳۹۶.
۲۲. زمانی محبوب، حبیب، «جریان‌شناسی علویان سوریه»، فصلنامه تبلیغی - بصیرتی پیام، شماره ۱۲۱، ۱۳۹۵.
۲۳. زین‌العابدین، یوسف و هم‌کاران، «تحلیل ژئوپولیتیک تشیع در خاورمیانه با استفاده از الگوی SWOT»، فصلنامه شیعه‌شناسی، سال یازدهم، شماره ۴۴، ۱۳۹۲.
۲۴. سلیم، محمدنبی و حامد حسین‌زاده، «تأثیرات متقابل انقلاب اسلامی ایران و ژئوپولیتیک شیعه در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۲۰، ۱۳۹۶.
۲۵. سیدباقری، سیدکاظم، «تنگناهای فرهنگ حاکم بر جهانی‌شدن»، مجموعه مقالات شانزدهمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی، تهران، ۱۳۸۲.

۲۶. سیفی، افسانه و همکاران، «تبیین عوامل مؤثر در ایجاد و استمرار بحران سوریه بر مبنای مدل برچر»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام، دوره پنجم، شماره ۱، ۱۳۹۵.
۲۷. شریفیان، جمشید و همکاران، «تعامل و تقابل ایران و ترکیه در بحران سوریه»، فصلنامه امنیت‌پژوهی، سال یازدهم، شماره ۳۸، ۱۳۹۲.
۲۸. شعیب، بهمن جامعه‌علویان ترکیه، تهران، مؤسسه اندیشه‌سازان نور، ۱۳۹۵.
۲۹. شفیع‌پور، ابراهیم و جواد جمالی، «بیداری اسلامی و تأثیر آن بر ژئوپلیتیک شیعی»، مجموعه مقالات همایش ژئوپلیتیک شیعه، دانشگاه تهران، ۱۳۹۱.
۳۰. شمس دولت‌آبادی، سیدمحمودرضا و مهدی عسکری، «تأثیر ژئوپلیتیک سوریه بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با رژیم صهیونیستی»، فصلنامه امنیت ملی، سال نهم، شماره ۳۳، ۱۳۹۸.
۳۱. صادقی، شمس‌الدین و کامران لطفی، «تحلیل مواضع جمهوری اسلامی ایران در قبال بحران سوریه»، فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر، سال ششم، شماره اول، ۱۳۹۴.
۳۲. ضابطی، معین و همکاران، «فرصت‌های اسلام سیاسی شیعی در فضای جهانی شدن»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۴، ۱۳۹۶.
۳۳. علی‌پور، جواد و سجاد قیطاسی، «آینده‌پژوهی بحران سیاسی - امنیتی سوریه بر پایه سناریونویسی»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره چهارم، ۱۳۹۶.
۳۴. علی‌پور، هادی و همکاران، «تحلیل مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی تأثیرگذار بر هم‌گرایی شیعیان در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۸، ۱۳۹۷.
۳۵. قاسمی، بهزاد، «ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی ایران بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی»، فصلنامه آفاق امنیت، سال یازدهم، شماره ۳۷، ۱۳۹۷.
۳۶. قائم‌پناه، صمد و فیض‌الله خانمحمدی، «بررسی عوامل ظهور گروه‌های تروریستی داعش در خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی و بین‌المللی، سال ششم، شماره ۲۴، ۱۳۹۴.
۳۷. کریمی، ابوالفضل، «نقش جمهوری اسلامی ایران در هویت‌بخشی به مجموعه امنیتی محور مقاومت»، ماهنامه پژوهش ملل، دوره دوم، شماره ۲۰، ۱۳۹۶.
۳۸. کمری، سجاد و عزت‌الله عزتی، «بررسی موقعیت ژئوپلیتیکی شیعه با محوریت ایران و تأثیر آن بر جایگاه سیاسی شیعیان غرب آسیا»، فصلنامه سیاست دفاعی، سال بیست و ششم، شماره ۱۰۴، ۱۳۹۷.

۳۹. لطفی، حیدر و هم‌کاران، «تحولات سوریه و نقش راهبردی ایران؛ توازن منطقه‌ای و چشم‌انداز سیاست خارجی ایران»، فصلنامه نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، سال نهم، شماره چهارم، ۱۳۹۴.
۴۰. مهکویی، حجت و همکاران، «تحلیلی بر چالش‌های شکل‌گرفته برای شیعیان در کشور بحرین»، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال نهم، شماره ۳۵، ۱۳۹۸.
۴۱. ناجی، ناصر و عبدالرضا فرجی‌راد، «آینده سیاسی سوریه و منافع استراتژیک ایران»، فصلنامه سرزمین، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ۱۳۹۴.
۴۲. نادری، احمد، «نئومکیندریسم و نظریه ریملند شیعی»، فصلنامه دین و ارتباطات، سال هجدهم، شماره دوم، ۱۳۹۰.
۴۳. نجات، سیدعلی و اصغر جعفری ولدانی، «بررسی نقش جایگاه جمهوری اسلامی ایران در بحران سوریه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی، سال سوم، شماره هشتم، ۱۳۹۴.
۴۴. نیاکوئی، سیدامیر، کالبدشکافی انقلاب‌های معاصر در جهان عرب، تهران، نشر میزان، ۱۳۹۱.
۴۵. نیاکوئی، سیدامیر و حسین بهمنش، «بازی‌گران معارض در بحران سوریه»، فصلنامه روابط خارجی، سال چهارم، شماره ۴، ۱۳۹۱.
۴۶. واحدی، الیاس، علویان ترکیه، تهران: انتشارات ابرار معاصر، ۱۳۹۴.
۴۷. یزدان‌پناه درو، کیومرث و محمدمهدی نامداری، «بحران سوریه با تأکید بر رویکرد نظام غرب و راهبرد ترکیه در این کشور»، دوفصلنامه مطالعات بیداری اسلامی، سال دوم، شماره ۳، ۱۳۹۲.
48. Cook, Jonathan, 2008: Israel and the Clash of Civilisations Iraq, Iran and the Plan to Remake the Middle Eastm,
49. Ibrahim, Fouad, 2006, the Shiite's of Saudi Arabia, London & Sanfrancisco: Saqi Press.
50. Jahner, Aricl, Springe 2012, Saudi Arabia and iran: The Struggle for Power and Influence in the Gulf, international Affairs Review, Volume XX, No.3.
51. Melikoff, I, 1999, Bektasilik / Kizilbaslik: Tarihsel Bolunme ve Sonuclari in, Alevi Kimligi. (E.O.T.Ollson, Ed.) Istanbul: Tarih Vakfi Yurt Yayinlari.
52. Salamandra, Christa, 2013, "Sectarianism in Syria: Anthropological Reflections", Middle East CritiQue." Vol.22, Issue 3, September.
53. Seeberg, Peter, 2012. "Syria and the EU. The crisis in Syria and the international sanctions with a focus on Syrian-EU relations." Videncenter Om det moderne Mellemosten.
54. www.shiastudies.com
55. www.tebyan.net